

رشد ما سه فرا

دوره دوازدهم / شماره پی در پی ۸۷ / مهر ۱۳۹۴
 ماهنامه آموزشی، تحلیلی و اطلاع رسانی برای معلمان، کارشناسان
 فناوری اطلاعات و ارتباطات آموزش و پرورش و دانشجویان
 دانشگاه فرهنگیان

وزارت آموزش و پرورش
 سازمان پژوهش و برنامه ریزی آموزشی
 دفتر انتشارات و تکنولوژی آموزشی

مدیر مسئول: محمد ناصری
 سردبیر: محمد عطاران
 شورای برنامه ریزی و کارشناسی:
 شیبیا ملک
 سیده فاطمه شبیری
 زینب گلزاری
 علیرضا منسوب بصیری
 مدیر داخلی: بهناز پورمحمد
 ویراستار: افسانه طباطبایی
 طراح گرافیک: عبدالحمید سیامک نژاد

نشانی پستی دفتر مجله:
 تهران، ایرانشهر شمالی، پلاک ۲۶۶
 صندوق پستی ۱۵۸۷۵/۶۵۸۵
 تلفن: ۰۲۱ ۸۸۸۳۱۱۶۱۹ داخلی ۳۷۰
 تلفن پیام گیر نشریات رشد: ۸۸۳۰۱۴۸۲
 کد مدیر مسئول: ۱۰۲
 دفتر مجله: ۱۱۲
 امور مشترکین: ۱۱۴
 تلفن های امور مشترکین: ۷۷۳۳۶۶۵۶ و ۰۲۱ ۷۷۳۳۶۶۵۵
 نشانی امور مشترکین: تهران، صندوق پستی ۱۶۵۹۵/۱۱۱
 وبگاه: www.roshdmag.ir
 پیام نگار: Email:farda@roshdmag.ir
 وبلاگ: <http://weblog.roshdmag.ir/Farda>
 شمارگان: ۲۲۰۰۰ نسخه
 چاپ: شرکت افست (سهامی عام)



یادداشت سردبیر

۲ معلم حرفه ای

تجربه

۳ کارورزی و فناوری / صغری ملکی

علمی

۶ آموزش فناوری در تربیت معلم / زهره کرمی

گفت و گو

۸ دانش آموزان همکاران من هستند! / مریم فرحمند

تجربه

۱۰ من می گویم... شما تکرار کنید / ترنس راس / مترجم: محمد امین اسپرور

۱۲ تبلت را بگیر و برو سر کلاس / علیرضا منسوب بصیری

۱۳ گوشی من گم شده! / احسان مظلومی

معرفی سایت

۱۴ علاقه مندی هایت را سوزن بزن / نرگس لیاقی مطلق

طنز

۱۶ فوبیای دست زدن به رایانه / رویا صدر

معرفی بازی

۱۸ هیجان در روستا / محمد اسدبگی

معرفی سایت

۲۲ سال نو، بایگانی جدید / عبدالحمید پهلوزاده

گفت و گو

۲۴ کاش پیشرفت ها سریع تر بود / سمانه آزاد

تجربه

۲۶ یادگیری های اکتشافی سپهر / احسان مظلومی

۲۸ روابط نسل ها / نرگس معینی

۲۹ تابستان خود را چگونه گذرانیدی؟ / شیبیا ملک

معرفی سایت

۳۲ در کلاس با تجربه ها / علیرضا منسوب بصیری

نویسندگان و مترجمان محترم!

این مجله متعلق به شماست. تجربه های ناب، ایده ها و حاصل پژوهش های خویش را در اختیار دفتر مجله قرار دهید تا با انعکاس آن ها در مجله، علاقه مندان به این حوزه در تجربیات شما شریک شوند. از شما عزیزان تقاضا داریم:

- مقاله هایی را که برای درج در مجله می فرستید، با موضوع مجله مرتبط باشند و در جای دیگری چاپ نشده باشند.
- مقالات حاوی مطالب کلی و گردآوری شده در ارتباط با فناوری و کاربرد آن در کلاس درس نباشند.
- مقاله ترجمه شده با متن اصلی همخوانی داشته باشد و متن اصلی نیز همراه آن باشد. چنانچه مقاله را خلاصه می کنید، این موضوع را قید بفرمایید.
- نشر مقاله، روان و از نظر دستور زبان فارسی درست باشد و در انتخاب واژه های علمی و فنی، دقت لازم را مبذول فرمایید.
- در نگارش مقاله از منابع و مآخذ معتبر استفاده کنید و در پایان آن، فهرست منابع را بیاورید.

با ما از طریق پیامک در ارتباط باشید

هر مطلب مجله یک کد شناسایی دارد که در کنار عنوان مقاله درج شده است. چنانچه نظر، پیشنهاد یا انتقادی به هر کدام از مقالات مجله دارید، می توانید با ارسال کد مطلب و نظر خود به شماره **۳۰۰۰۸۹۹۵۹۵** ما آگاه سازید

معلم حرفه‌ای

همانند پزشک اعتماد کرده و مسئولیت تربیت فرزندان خود را به او سپرده‌اند؛ همان‌طور که مسئولیت جان بیمارانشان را نیز به پزشک واگذار کرده‌اند.

در پاره‌های کشورها، نامزدهای انتخاباتی اصلاحات پیشنهادی خود در آموزش و پرورش را به‌عنوان برگ برنده مطرح می‌کنند. این امر نشان از اهمیت منزلت تعلیم و تربیت و معلمی دارد؛ منزلتی که در طول زمان و در تعاملی دو سویه میان جامعه و معلمان حاصل می‌آید. مسئولیت جامعه و به‌طور خاص دولت را باید در بحثی مستقل باز کرد و به تفصیل آن را بررسی نمود. قدر مسلم آن است که تأمین معیشت مناسب، تمرکززدایی از برنامه‌داری و تفویض بخش‌هایی از آن به معلمان حرفه‌ای و شایسته، ارتقای کمتی و کیفی دانشگاه فرهنگیان و قرار دادن آن در تراز دانشگاه‌های معتبر کشور با گسترش امکانات مادی و انسانی، هم‌ترازی حقوق معلمان و صاحبان سایر مشاغل مشابه، تقدیر از معلمان برتر کشور در حد چهره‌های ماندگار ایران، و ده‌ها کار دیگر را دولت باید عهده‌دار شود. در این نوشته، تأکید ما بر بخشی است که معلمان خود آن را پدید می‌آورند؛ وقتی معلم خود چنان هویتی کسب کند که او را متخصص بدانند، به هویت ممتاز جامعه معلمان کمک شده است. اما چه شایستگی‌هایی است که معلم را در جایگاه یک پزشک یا حقوق‌دان می‌نشانند و موجب اعتماد جامعه به او می‌شود؟ قطعاً دانش و صلاحیت‌های حرفه‌ای که معلم کسب کرده است. به عبارتی، سؤال اساسی این است که «فرزندمان را به چه معلمی می‌توانیم بسپاریم.» مشارکت در برنامه‌ریزی را به چه معلمی می‌توان واگذار کرد؟ شماری از بایسته‌ها و شایستگی‌های حرفه‌ای را می‌توان برشمرد. اما نکته‌ای که این نوشته بر آن تأکید دارد، این است که نسل جدید نسلی کاملاً متفاوت با نسل‌های قبلی است. او امروز با رایانه و تلفن همراه درگیر است و تلفن همراه مانند لباس همیشه همراه اوست؛ گویی این وسیله ضمیمه بدن اوست. بر این اساس، معلمی که می‌خواهد حرفه‌ای باشد، باید با این ابزارها آشنا باشد و از یادگیری ابزارهای جدید و استفاده از آن‌ها بیم نداشته باشد و این‌ها همه در پی شوق یادگیری به‌وجود می‌آید. به نظر من، رمز صلاحیت معلمی «شوق یادگیری» است و به تبع آن، صلاحیت‌های دیگر دیر یا زود فراهم خواهند آمد.

در بهار امسال سریالی تلویزیونی مایه بحث و گفت‌وگو شد. در این سریال، قشر پزشکان با زبان طنز، نقد و بررسی شدند. پیش از شروع سریال و نیز هنگام پخش آن، پزشکان این فیلم را موجب هتک حرمت جامعه خود دانستند و خواستار قطع آن شدند. سرانجام این سریال با کوتاه شدن زمان پخش آن زودتر از موعد خاتمه یافت.

جامعه پزشکی خود را جامعه‌ای حرفه‌ای می‌داند و معتقد است که درباره این جامعه متخصصان باید داوری کنند. به بیان دیگر، عامه مردم در سطحی از دانش و تخصص نیستند که داوران خوبی برای قضاوت درباره این جامعه باشند. البته عامه مردم این خصیصه را باور دارند و اگر هم نقدی هست، بر اخلاق پزشکان است نه جنبه‌های تخصصی آن‌ها.

از منظر این مقاله، سؤال این است که آیا عامه مردم همین قضاوت را درباره جامعه معلمان هم دارند؛ یعنی به معلمان در تراز پزشکان از حیث تخصص نگاه می‌کنند؟ تجربه بعضی کشورها نشان می‌دهد که در برخی جوامع، عامه مردم به معلمان در تراز پزشکان و حقوق‌دانان نگاه می‌کنند؛ یعنی اگر جامعه پزشکان و حقوق‌دانان، متخصصان رشته خود تلقی می‌گردند و در هنگام مشکلات به این دو گروه مراجعه می‌شود، معلمان هم از همان جایگاه برخوردارند و عامه مردم، آنان را متخصصانی می‌دانند که درباره تعلیم و تربیت باید به آن‌ها رجوع کرد و از آن‌ها نظر خواست. این جایگاه البته طی فرایندی طولانی پدید آمده است و معلمان و جامعه، هر دو در شکل‌دهی به آن نقش داشته‌اند. در سنگاپور، که یکی از ممتازترین کشورها در تعلیم و تربیت است، زمین ارزش زیادی دارد و بسیار گرانبهاست. وقتی در این کشور دولت زمین بسیار بزرگی را به مرکز تربیت معلم اختصاص می‌دهد، این امر به استحکام هویت معلمی کمک می‌کند و معلمان را در صدر می‌نشانند یا وقتی در دانشگاه تربیت معلم فنلاند تعداد داوطلبان آن قدر زیاد است که از هر ده داوطلب یک نفر که بهترین است براساس شایستگی‌هایش انتخاب می‌شود، نشانگر ارزش معلم است. وقتی در همین کشور معلم حرف اول و آخر را در برنامه‌ریزی مدرسه می‌زند و به او دائماً از بالا امر و نهی نمی‌شود و خود او مانند یک پزشک، که صلاح بیمار را می‌داند، در سطح کلاس تصمیم‌گیری می‌کند، یعنی به معلم



کارورزی و فناوری

۱۰۳

صغری ملکی

مدرس دانشگاه فرهنگیان

گزارش تجربه‌تان را باید به صورت یک روایت بنویسید و هرکس مایل است می‌تواند فیلم کارش را هم داشته باشد، اصلاً فکر نمی‌کردم این فیلم‌ها در برنامه ما نقش پررنگی پیدا کنند. قرار ما این بود که دانشجو فعالیتی را اجرا کند. سپس روایتش را در کلاس همه با هم بخوانیم و شروع به نقد کنیم و البته اگر کسی فیلمی هم داشت، آن را ببینیم... اما بعد از گذشت چند جلسه، متوجه شدم که برای واکاوی‌های

نوشتن زیرنویس و... البته استفاده نکردن ما از این موارد تنها به دلیلی که بیان شد نبود. من در ترم اول متوجه شدم که تقریباً نیمی از دانشجویانم یا کامپیوتر ندارند و یا اینترنت، و از آنجا که برای موارد اشاره شده به هر دو این‌ها نیاز است و همه دانشجویان نیز باید در برنامه باشند، ما به‌طور موقت وارد این مقوله‌ها نشده‌ایم... اما کلاس ما نیز مانند همه کلاس‌های امروزی بدون فناوری هم نیست.

به هر حال در کلاس ما هم بنا به ضرورتی که پیدا شد، فناوری راه خودش را پیدا کرد و وارد شد... محور اصلی در برنامه «کارورزی ۲»، مشارکت در کار تدریس است. دانشجویان باید فعالیتی را طراحی و در کلاس اجرا و سپس ارزشیابی نمایند ولی به هر حال این اجرا باید به نحوی گزارش شود. وقتی در ابتدای ترم به دانشجویان گفتم

تقریباً یک سال است که سفر پرماجرایی را شروع کرده‌ام. سفری با شانزده دانشجو معلم در یک مسیر؛ مسیری پرفراز و نشیب و بسیار هیجان‌انگیز. شاید باورتان نشود اما این سفر ما فقط رفتن است و رفتن... و پایان و مقصدی ندارد. قرار است دو سالی من و دانشجویانم هم‌سفر باشیم؛ چهار ترمی با هم حرکت کنیم و بعد هر کسی راه خودش را برای سی سال خدمت جدا کند اما رسمی را که در این دو سال و در این راه و مسیر آموخته‌ایم، ادامه دهد. رسمی با عنوان فکور بودن و تأمل داشتن در کار. رسمی که امیدواریم در طول زندگی حرفه‌ای همواره همراهمان باشد... به نظر شما این سفر هیجان‌انگیز نیست؟

رمز و رموز و رسم و رسومی که می‌خواهیم با هم در این چهار ترم بیاموزیم به قدری پیچیده است که شاید علی‌الحساب، برای خود من فرصت چندانی برای فکر کردن به استفاده بهتر از فناوری در کارورزی را ایجاد نکرده است اما بی‌شک این درس، در صورت مهیا بودن امکانات، ظرفیت‌های فراوانی برای استفاده‌های گوناگون از فناوری دارد. استفاده از سایت‌های گوناگون برای بارگذاری فیلم، استفاده از فضای کلاس‌های مجازی به همراه گفت‌وگوهای بر خط (آن‌لاین) در این محیط‌ها، استفاده از نرم‌افزارهای مختلف و بهره‌گرفتن از آن‌ها برای برش فیلم،



گاهی در پایان روایت، نویسنده و یا معلم نقشی مانند نقش یک قاضی پیدا می‌کند که با اطلاعاتی که نوشته و هم زمان واکاوی کرده است، به حکم جدیدی برای کلاسش دست می‌یابد

شخصی، روایت مکتوب بسیار مناسب است. اساساً نوشتن در ذات خود نوعی تأمل است. حال اگر نوشتن تجربه باشد و عرصه‌ای برای نوشتن شگفتی‌ها، سؤال‌ها، احساس‌ها، رضایت‌ها و نارضاقتی‌ها، اعمال و واکنش‌هایی که اتفاق افتاده است، این نوشتن در واقع با تأمل بر عمل همراه می‌شود و این تأملات می‌تواند موجب خودآگاهی کارورز یا معلم نسبت به عمل شود و تصویر روشنی از کلاس برای او به وجود آورد. در بعضی موارد، حتی در حین نوشتن این تأمل به قدری عمیق رخ می‌دهد که فرد هنوز روایتش به پایان نرسیده براساس تأملاتش برای جلسه بعد کلاس تصمیماتی واضح می‌گیرد و همین امر کم‌کم موجب بهبود اوضاع کلاسش می‌شود. گاهی در پایان روایت، نویسنده و یا معلم نقشی مانند نقش یک قاضی پیدا می‌کند که با اطلاعاتی که نوشته و هم زمان واکاوی کرده است، به حکم جدیدی برای کلاسش دست می‌یابد. البته گاهی هم نقش قاضی بودن، با ضبط و نگهداشت این روایت‌ها و بازخوانی مکرر آن‌ها ایجاد می‌شود. تجربه این چند ماه من در «کارورزی ۲» نشان داد که روایت نگاری راه بسیار مناسبی برای تقویت تأمل در عمل است و می‌تواند موجب بالندگی حرفه‌ای فرد



شود اما برای نقد گروهی و کلاسی، فیلم نسبت به روایت‌های مکتوب و پرینت شده افراد ابزار مناسب‌تری است. اینکه روایت‌های پرینت شده مجلس نقد را چندان پرشور نمی‌کند، تحت تأثیر عوامل مختلفی است. یکی اینکه دانشجویان هنوز به سطحی از روایت نویسی نرسیده‌اند که روایت‌هایشان برای دیگران خیلی جذاب و تأمل‌برانگیز باشد. دوم اینکه اساساً خواندن انتقادی یک متن مکتوب به زمان بیشتری نیاز دارد و برای بهره‌گیری از این روش بهتر است روایت دانشجویی که برای مثال می‌خواهد در این هفته نقد شود، یک هفته زودتر به دست اعضا برسد و بعد در یک جلسه حضوری نقد انجام گیرد. البته دادن نظر کلی در این زمینه به بررسی‌های بیشتر نیاز دارد اما به‌طور کلی، تجربه من در کارورزی ۲ نشان داد که نمایش فیلم واقعاً جلسات نقد خوبی به پا می‌کند. حتی برخی از دانشجویانم

می‌گفتند که در طول ترم، منزلشان هم به محلی برای نمایش فیلم‌های تدریسیشان و نقد آن‌ها تبدیل شده است. سحر می‌گفت: «فیلم‌هایم را در خانه با پدر و مادرم که هر دو فرهنگی بازنشسته‌اند، می‌دیدم. مادرم می‌گفت: «بین دخترم، وقتی می‌خواهی بچه‌ها را ساکت کنی این قدر فریاد نکش. اتفاقاً در این جور موارد صداقت را از همیشه آرام‌تر کن تا توجه بچه‌ها بیشتر جلب شود.» یکی دیگر از بچه‌ها می‌گفت: «هر بار که فیلمی از کارم می‌گیرم و به خانه می‌برم، با خواهر و برادرها و مادرم می‌نشینیم و نگاه می‌کنیم. هر کدامشان چیزهایی می‌گویند که برایم آموزنده است و...» سمیه یکی دیگر از دانشجویانم می‌گفت: «وقتی فیلمم را می‌بینم و مثلاً می‌فهمم یکی از بچه‌ها در آن سوی کلاس به کاری مشغول است، یکی در وسط کلاس واژگون شده است و من بی‌توجه مشغول کار خودم هستم، واقعاً به خودم می‌گویم من چرا اصلاً این صحنه‌ها را ندیدم...»

استفاده از فیلم دانشجویان در کلاس و برپایی جلسات نقد کلاسی، تجربه‌های دیگری هم برای ما داشت. برخلاف روایت‌های کتبی، در فیلم همه چیز دیده می‌شود: رفتار دانشجو، نحوه تدریس، عکس‌العمل بچه‌ها، کلافگی و خستگی یا لذت بردن و شادابی آن‌ها در حین کار،



همه و همه در فیلم دیده می‌شوند و در تمام این‌ها می‌توانند در پیچه‌های بیشتری را به روی نقد باز کنند و دانشجویان را با زوایای بیشتری از کار آشنا سازند.

نکته دیگری که در تجربه استفاده از فیلم‌های دانشجویی برای خود من اهمیت دارد، به دست آوردن شناخت بیشتر از دانشجویان است؛ مثلاً با دیدن این فیلم‌ها دقیقاً متوجه می‌شوم که نشانه‌هایی از هویتی تازه در برخی از دانشجویان در حال شکل‌گیری است. برای مثال، یادم می‌آید وقتی فیلم سوم الناز، یکی از دانشجویانم، را می‌دیدیم در صحنه‌هایی الناز با مهربانی به دانش‌آموزش می‌گفت: «بیا دختر قشنگم... بیا پای تخته... عجب دختر قشنگی دارم... بیا عزیزم...» این صحنه‌ها برای من به‌عنوان مدرس، این پیام را داشت که دوره کارورزی واقعا این ظرفیت را دارد که در آن هویت‌های معلمی کم‌کم در دانشجویان شکل گیرد. برخی دانشجویان دیگر خود را دانشجوی، نه معلم فرض می‌کنند و این شناخت، دید روشن‌تری از دانشجویان و کارورزی برای من ایجاد می‌کند. شناختی که بی‌شک بر تصمیم‌گیری‌هایم مؤثر است. دیدن این فیلم‌ها جنبه‌های دیگری از دنیای کلاس را هم به من نشان می‌دهد. مثلاً در همان صحنه‌ای که از فیلم الناز دیدیم، بعد از فیلم برخی از دانشجویانم می‌گفتند: «الناز دارد از معلمی‌اش در این دوره دانشجویی هم لذت می‌برد... استاد، چرا سروکار ما با مدرسه پسرانه افتاده است؟ ما هم می‌خواهیم لذت‌های معلمی را در این دوران تجربه کنیم... ما در مدرسه پسرانه فقط مشغول ساکت کردن پیچه‌ها می‌شویم... از کارمان لذت نمی‌بریم و... کم‌کم داریم از معلمی زده می‌شویم...» به هر حال، دیدن فیلم‌های دانشجویی نکات خیلی خوبی را از وضعیت دانشجویان، احساساتشان نسبت به معلمی و دانش‌آموزان،

مشکلات و دغدغه‌هایشان در اختیار من به‌عنوان مدرس می‌گذارد که بی‌شک در برنامه‌ریزی‌هایم تأثیر فراوانی دارد.

در ارتباط با دیدن فیلم‌ها و برنامه‌ای که این ترم داشتیم، نکته دیگری نیز اتفاق افتاد. یک بار یکی از دانشجویان به من گفت: «استاد، همه‌اش که نمی‌شود فیلم‌های اشکال‌دار خودمان را ببینیم؛ یک بار هم یک فیلم حرفه‌ای ببینیم.» وقتی این نکته را با دانشجویان دیگر هم مطرح کردم، دیدم تقریباً همه پیچه‌ها معتقدند که در کارورزی، باید علاوه بر دیدن کارهای دانشجویی، کارهای معلمان موفق و با اشکال کمتر هم نمایش داده شود. از آنجا که من چند سالی داور جشنواره الگوهای برتر تدریس هم بوده‌ام، تصمیم گرفتم برای تحقق این خواست دانشجویان چند تا از فیلم‌های منتخب را به کلاس ببرم اما واکنش دانشجویان برایم جالب و درخور توجه بود: «... استاد این‌ها چه فیلم‌هایی هستند... چرا این فیلم‌ها این قدر نمایشی هستند؟... این فیلم‌های جشنواره‌ای کجا... کلاس‌های واقعی کجا...» دانشجویان خواهان دیدن فیلم‌هایی از معلمان مجرب و حرفه‌ای در شرایطی واقعی هستند، نه نمایشی. فیلم‌هایی که به نظر می‌آید باید مسئولان دانشگاه فرهنگیان به‌طور جدی به دنبال ساخت آن‌ها باشند و آرشیه‌های مناسبی از این‌گونه فیلم‌ها در موضوعات و رشته‌های مختلف برای مراکز مهیا کنند. نمایش دادن این فیلم‌های جشنواره‌ای برای دانشجویان جالب نبود اما فوایدی داشت. برخی از دانشجویان با اینکه نقدهای تند و تیزی نسبت به ساختگی بودن فیلم‌ها داشتند، در پایان فیلم یادداشت‌هایی هم برای خود بر می‌داشتند. وقتی از ساناز (یکی از دانشجویانم) پرسیدم: «با اینکه این فیلم‌ها را نمی‌پسندید، چه چیزی را یادداشت می‌کنی؟» گفت: «درست است

که این فیلم‌ها جشنواره‌ای و نمایشی هستند و صحنه‌هایشان بسیار مصنوعی است اما به‌خاطر همین مسابقه‌ای بودن هم شده معلم تلاش کرده است بهترین کارها را انجام دهد. من دارم نکات جالب را یادداشت می‌کنم تا در کلاس از آن‌ها استفاده کنم. مثلاً نحوه گروه‌بندی پیچه‌ها، نحوه ایجاد انگیزه، وسایلی که معلم با خودش آورده و...» به هر حال، یکی دیگر از کاربردهای فیلم در کلاس ما (هم فیلم‌های پیچه‌های خودمان و هم فیلم‌هایی که از بیرون می‌آوریم) انتقال تجربه و به کارگیری تجربه‌های یکدیگر بود.

استفاده از فیلم دانشجویان در کلاس و برپایی جلسات نقد کلاسی، تجربه‌های دیگری هم برای ما داشت. برخلاف روایت‌های کتبی، در فیلم همه چیز دیده می‌شود: رفتار دانشجو، نحوه تدریس، عکس‌العمل پیچه‌ها، کلافگی و خستگی یا لذت بردن و شادابی آن‌ها در حین کار، همه و همه در فیلم دیده می‌شوند

استفاده از فیلم‌های دانشجویی در برنامه کارورزی علاوه بر موارد مطرح شده، مسلماً کاربردهای پنهانی نیز دارد. بالا رفتن اعتماد به‌نفس، تلاش برای پیشرفت و نمایش کاری بهتر، و شناخت بیشتر یکدیگر از کارکردهای دیگر استفاده از فیلم‌های دانشجویی در فرایند کارورزی است.





چگونه دانشجو معلمان را برای استفاده از فناوری در کلاس‌های درس آینده آماده کنیم؟

آموزش فناوری در تربیت معلم

۵۰۱

زهرة كرمى

عضو هیئت علمی دانشگاه فرهنگیان (پرديس شهيد باهنر همدان)

رویکرد آموزش مجزا، دانش محتوایی، دانش تربیتی و دانش فناورانه به شکل مجزا و بدون ارتباط با یکدیگر تدریس می‌شوند. محتوای آموزش - مثلاً محتوای ریاضیات و جغرافیا - تدریس می‌شود و در کنار آن، استاد روش تدریس، شیوه‌های آموزش را می‌آموزد و استاد فناوری آموزشی هم کاربرد فناوری در آموزش را یاد می‌دهد ولی در رویکرد تلفیقی، این سه دانش با هم تلفیق می‌شوند. مجموعه این دانش‌ها در زبان انگلیسی با واژه^۱ TPACK بیان می‌شود که شاید عبارت معادل «دانش محتوایی تربیتی فناورانه» برای آن مناسب باشد. دانش محتوایی تربیتی فناورانه دانشی است که به معلمان کمک می‌کند تا از فناوری در تدریس بهره ببرند. بر اساس رویکرد تلفیقی، یک استاد هر سه دانش را در خود جمع کرده است و در حین تدریس ریاضی یا دروس دیگر به دانشجو معلمان، شیوه تدریس یک موضوع درسی (مثلاً مساحت مثلث) را با استفاده از فناوری آموزش می‌دهد و در آموزش خود هر سه دانش را تلفیق می‌کند. تدریس مساحت مثلث با استفاده از روش تدریس اکتشافی و به کمک فناوری، نمونه‌ای از این تلفیق است.

اگر مدرسان تربیت معلم این سه دانش را به صورت مجزا به دانشجو معلمان تدریس کنند، چندان ثمربخش نخواهد بود؛ مثلاً استادی ریاضیات به معلمان آموزش دهد، استاد دیگری روش‌های تدریس و استاد سوم، کاربرد فناوری در تدریس. بدون شک، آموزش مهارت‌های فاوا به طور مجزا موجب آن می‌شود که دانشجو معلمان در آینده بدون توجه به کاربرد ابزارهای فاوا، از

پیش از این، معلم در صورت برخورداری از دانش لازم در رشته تخصصی خود، مشکلی در تدریس نداشت و در نظام تربیت معلم بر تخصص او - که شیمی، فیزیک، ریاضی، ادبیات و مانند این‌ها بود - تأکید می‌شد.

به تدریج، نیازهای جدیدی احساس شد و به تبع آن نیازها، درس‌هایی مانند روش تدریس، روان‌شناسی تربیتی، فلسفه تعلیم و تربیت و امثال این‌ها به برنامه درسی تربیت معلم افزوده شد؛ با این تصور که معلم علاوه بر تسلط بر محتوای درسی که تدریس می‌کند، باید از تعلیم و تربیت نیز مطلع باشد و دانش و مهارت تربیتی داشته باشد. در عصر فناوری، نیاز دیگری شکل گرفت و نتیجه آن، افزوده شدن فناوری به برنامه درسی تربیت معلم بود. با توجه به آنچه مطرح شد، می‌توان به سه دانش اصلی در برنامه درسی تربیت معلم اشاره کرد: دانش محتوایی، دانش تربیتی، و دانش فناورانه.

دانش محتوایی، دانش معلم درباره موضوع درس است؛ مانند دانش او درباره فلسفه، ریاضیات، شیمی، فیزیک و امثال این‌ها.

دانش تربیتی، دانش معلم درباره فرایندها، رویکردها و روش‌های تدریس و یادگیری است.

دانش فناورانه، دانش معلم درباره کار با فناوری در تدریس، و به عبارتی، استفاده از فناوری در تدریس است.

در ارائه این دانش‌ها به دانشجو معلمان و معلمان دو رویکرد وجود دارد: رویکرد آموزش مجزا، و رویکرد آموزش تلفیقی. در

نمونه‌هایی از کاربرد دانش محتوایی تربیتی فناورانه توسط معلم در کلاس درس

درس	دانش محتوایی	دانش تربیتی	دانش فناورانه	دانش محتوایی تربیتی فناورانه
ریاضی	بخش پذیری	دانش طراحی آموزشی، دانش روش‌های تدریس (یادگیری اکتشافی) دانش شیوه‌های ارزشیابی و...	آشنایی با نرم‌افزارهای طراحی اسلاید	معلم اسلایدهایی طراحی می‌کند و قدم به قدم می‌کوشد از طریق یادگیری اکتشافی به دانش‌آموزان کمک کند تا قانون بخش‌پذیری بر ۵ را کشف کنند و در موقعیت جدید به کار ببرند.
جغرافیا	سیاره‌های منظومه شمسی	دانش طراحی آموزشی، دانش روش‌های تدریس (یادگیری مشارکتی) دانش شیوه‌های ارزشیابی و...	استفاده از اینترنت و آشنایی با نرم‌افزارهای طراحی اسلاید	معلم دانش‌آموزان را هدایت می‌کند تا به صورت گروهی و با مشارکت یکدیگر در اینترنت، اطلاعات جامعی در مورد سیاره‌های منظومه شمسی به دست آورند. در نهایت، هر گروه با راهنمایی معلم، اطلاعات خود را به صورت اسلاید در می‌آورد و به کلاس ارائه می‌دهد.
فارسی	سبک‌های شعری	دانش طراحی آموزشی، دانش روش‌های تدریس (یادگیری اکتشافی و یادگیری از طریق بحث و گفت‌وگو و ...)، دانش شیوه‌های ارزشیابی	آشنایی با محیط‌های مجازی، نرم‌افزارهای تولید محتوا و ...	معلم از طریق یک برنامه رایانه‌ای، سبک‌های شعری مختلف را به دانش‌آموزان معرفی می‌کند و آن‌ها را هدایت می‌کند تا تفاوت‌های سبک‌ها را کشف کنند و در محیط مجازی در مورد آن‌ها به بحث و گفت‌وگو بپردازند.
علوم	دستگاه گردش خون	دانش طراحی آموزشی، دانش روش‌های تدریس (یادگیری مسئله محور و ...) و دانش شیوه‌های ارزشیابی	آشنایی با نرم‌افزارهای تولید محتوا	معلم با استفاده از یک نرم‌افزار تولید محتوا، به صورت تعاملی و چندرسانه‌ای، محتوایی الکترونیکی در مورد دستگاه گردش خون تولید می‌کند که قدم به قدم و با رویکرد مسئله محور، دانش‌آموزان را در یادگیری درگیر می‌نماید.

به‌نحوی با آموزش دانشجو معلمان یا معلمان تلفیق شود که آن‌ها تجربه عینی و عملی کسب کنند. برای کسب تجربه عینی و عملی پیشنهاد می‌شود مدرسان دروس تخصصی، مدرس مسائل تربیتی و مدرس فناوری، دانشجو معلمان را درگیر فعالیت‌های تلفیقی مبتنی بر این سه دانش نمایند. تدریس جمع کسرها از طریق روش نمایشی و به کمک فناوری، تدریس تبخیر از طریق روش تدریس کاوشگری و به کمک فناوری، تدریس مساحت مستطیل از طریق روش تدریس اکتشافی و به کمک فناوری، نمونه‌هایی از فعالیت‌های تلفیقی مبتنی بر تلفیق سه دانش محتوایی، تربیتی و فناورانه است.

* پی‌نوشت

1. Technological Pedagogical Content Knowledge
2. Graham

* منابع

1. Graham, C. R., Burgoyne, N., Cantrell, P., Smith, L., St. Clair, L., & Harris, R. (2009). *TPACK Development in science teaching: Measuring the TPACK confidence of inservice science teachers*. *TechTrends*, 53(5), 70-79.
2. Koehler, M. J., & Mishra, P. (2005). What happens when teachers design educational technology? The development of Technological Pedagogical Content Knowledge. *Journal of Educational Computing Research*, 32(2), 131-152.
3. Koehler, M., & Mishra, P. (2009). What is technological pedagogical content knowledge? *Contemporary Issues in Technology and Teacher Education*, 9(1), 60-70.

آن‌ها در تدریس استفاده کنند. با آموزش مجزا و بدون ارتباط فناوری با رشته درسی و مسائل تربیتی، معلمان طرز استفاده مناسب از فناوری در تدریس را نمی‌آموزند (گراهام و همکاران ۲۰۰۹). **رویکرد تلفیقی** بهترین روش جمع کردن این سه دانش است؛ یعنی مثلاً استاد فیزیک به‌گونه‌ای تدریس کند که نه تنها محتوای فیزیک را منتقل کند بلکه به‌طور طبیعی و در حین تدریس، دانشجویان روش‌های تدریس و نحوه کاربرد فناوری را هم از او بیاموزند، نه اینکه سه استاد به‌صورت مستقل و جداگانه این مطالب را آموزش دهند. کوهلر و میشر (۲۰۰۵) تأکید دارند که در برنامه‌های آموزشی، دانش محتوایی تربیتی فناورانه دانشجو معلمان باید به نحوی برنامه‌ریزی شود که آنان بعد از فارغ‌التحصیلی به‌راحتی از فناوری در تدریس استفاده کنند. به‌منظور آشنایی بیشتر، در جدول به نمونه‌هایی از کاربرد دانش محتوایی تربیتی فناورانه توسط معلم در کلاس درس، اشاره شده است.

به‌طور کلی، معلمان معمولاً به همان روشی که آموزش دیده‌اند، آموزش می‌دهند. بر این اساس، آموزش به کمک فناوری و استفاده از شیوه‌های مناسب تدریس دروس مختلف باید به‌نحوی باشد که دانشجو معلمان در آینده به‌خوبی از آن استفاده کنند. جمع سه دانش محتوایی (اطلاعات درباره محتوای درس)، تربیتی (آشنایی با روش‌های تدریس و امثال این‌ها) و فناورانه (دانش استفاده از فناوری در تدریس) باید

دانش آموزان همکاران من هستند!

گفت وگو با وسا وسلا، معلمی از مقدونیه

گفت وگو و ترجمه از مریم فرحمند

اشاره

جایزه جهانی معلم، جایزه‌ای یک میلیون دلاری است و به معلمی که توانایی چشمگیری در حرفه خود داشته باشد تعلق می‌گیرد. این جایزه بر اهمیت تدریس حرفه‌ای تأکید دارد و نماد این واقعیت است که معلمان در سرتاسر جهان شایسته شناسایی و ستوده شدن هستند. در سال ۲۰۱۵ میلادی، نزدیک به پنج‌هزار نفر از ۱۲۷ کشور نامزد دریافت این جایزه شدند و در نهایت، از میان پنجاه نامزد نهایی نانسی اتول^۱ این جایزه را دریافت کرد. از این شماره، به گفت وگو با تک تک معلمانی که به مرحله نهایی راه یافته‌اند و مشخصه اصلی آن‌ها استفاده از فاوا در حوزه آموزش و پرورش است، می‌پردازیم.

وسا وسلا^۲ معلمی از کشور مقدونیه است که در شهر بیتولا^۳ زندگی می‌کند. او ۱۲ سال است که به عنوان معلم در مدرسه ابتدایی کوکا راکین^۴ در روستای ایوانجویچ^۵ تدریس می‌کند. وسلا نویسنده چهار وبگاه و تهیه‌کننده بیش از ۲۰۰ فیلم آموزشی کوتاه برای کودکان است؛ فیلم‌هایی که در کلاس و حیاط مدرسه ضبط شده‌اند. این فیلم‌ها برنامه‌های آموزشی روزانه را نشان می‌دهند. وسلا از روش‌های مختلفی برای آموزش ریاضی، زبان، ادبیات و هنر استفاده می‌کند. او درس‌ها را در قالب فیلم‌های آموزشی به شکل راهنمای آموزشی ضبط می‌کند. کودکانی که در روستاهای دورافتاده مقدونیه زندگی می‌کنند یا در بیمارستان بستری هستند، می‌توانند به خوبی از فیلم‌ها یاد بگیرند. یادگیری با هم از طریق اسکایپ روش دیگری است که او از آن در آموزش استفاده می‌کند. گفت وگو با وسلا که جزء پنجاه آموزگار نهایی جایزه جهانی معلم است، به صورت اینترنتی و از طریق ایمیل انجام شده است.

علاقه و نیاز خود یاد بگیرد. دانش آموزان همکاران من هستند و به من کمک می‌کنند تا راه‌ها، شیوه‌ها و مواد جدید را کشف کنم. دانش آموزانم به وسیله بازی‌هایی که انجام می‌دهیم، رازها، نیازها و آرزوهایشان را بازگو می‌کنند. من خواسته‌هایشان را دنبال می‌کنم و با اجرای اهداف آموزشی صحیح و دقیق سالانه، خواسته‌هایشان را به تمامی درس‌ها پیوند می‌دهم.

● یکی از رسانه‌هایی که در کلاستان استفاده می‌کنید، فیلم است. دانش آموزان شما چه احساسی در مورد ساختن فیلم‌ها در کنار شما دارند؟

○ دانش آموزان دوست دارند در فیلم‌ها باشند. آن‌ها فیلم‌ها را در خانه با دوستان و اقوام خود می‌بینند و روز بعد با انگیزه بیشتری به مدرسه می‌آیند. هر دانش‌آموزی دوست دارد خود را در قالب شخصیت اصلی فیلم ببیند. اگر سه یا چهار فیلم از کلاس ما ببینید، متوجه می‌شوید که چگونه دانش‌آموزانم انگیزه بیشتری دارند و خوشحال‌اند. اگر فیلم‌های بیشتری ببینید، حتی می‌توانید پیشرفت و افزایش انگیزه هر دانش‌آموز را به صورت جداگانه ارزیابی کنید. دانش‌آموزان وقتی متوجه می‌شوند دیگران می‌توانند آن‌ها را به صورت بر خط (آنلاین)، ببینند، خوشحال می‌شوند و دوست دارند شخصیت اصلی فیلم‌ها باشند.

● شما نامزد دریافت جایزه جهانی معلم شده‌اید. کمی درباره خودتان و فعالیت‌هایتان توضیح دهید.

○ من اولین معلم در مدرسه و جامعه‌ام هستم که فیلم و عکس تهیه می‌کنم و فیلم‌های ضبط‌شده آموزشی را در اختیار عموم می‌گذارم. همچنین به‌عنوان هماهنگ‌کننده پروژه‌های مدرسه‌ها و مدارس در بسیاری از نهادهای تربیت معلم از طرف دفتر توسعه آموزش و پرورش جمهوری مقدونیه همکاری دارم. مهم‌ترین مسئله برای من این است که دانش‌آموزانم خوشحال باشند. آن‌ها همکار، شریک و سازنده فرایند آموزش‌اند. دانش‌آموزان کامپیوتر و تخته‌های تعاملی دارند و هر کس می‌تواند بدون محدودیت بر اساس سرعت،

دانش‌آموزان در مدرسه‌های داخل کشور یا کشورهای همسایه به وسیله اسکایپ به اشتراک می‌گذاریم و این شیوه، پایان‌هایی متفاوت برای داستان‌ها، مسائل ریاضی جدید و پرورش داستان‌های تازه را در اختیار ما قرار می‌دهد. شیوه همکاری از راه دور از طریق اسکایپ برای دانش‌آموزان بسیار جذاب است.

● با توجه به تأثیر زیاد فناوری بر روی آموزش، معلمان باید چه مهارت‌هایی داشته باشند؟

○ معلمان افراد خلاق هستند که دوست دارند چیزهای جدید یاد بگیرند. همه چیز مثل یک تمرین است. مهارت‌های پایه برای توسعه مهارت‌های بعدی کافی است. این همان شیوه‌ای است که من یاد می‌گیرم؛ مثل کودکان. کودکان با فناوری خوب کنار می‌آیند؛ چون از اینکه دنیای فناوری را کشف کنند نمی‌ترسند و راه‌های استفاده از چیزهای جدید را پیدا می‌کنند. پیدا کردن راه‌های استفاده از پدیده‌های تازه برای آن‌ها هم تازگی دارد.

● به نظر شما، آیا برای استفاده از فناوری در کلاس محدودیت سنی خاصی وجود دارد؟

○ خیر. به نظر من محدودیت سنی برای استفاده از فناوری در کلاس وجود ندارد. من همکاران مسن زیادی دارم که در استفاده از فناوری ماهرند. ما با هم و از هم یاد می‌گیریم. همکاری چیزی است که ما به آن نیاز داریم. من حدود ۹ هزار همکار از کشورم و سرتاسر دنیا در رسانه‌های اجتماعی دارم. هر روز ایده‌هایم را به اشتراک می‌گذارم و برای ساختن طرح درس‌های جدید همکاری می‌کنم. دیگران هم به من کمک می‌کنند. من می‌خواهم هر روز یاد بگیرم و به دیگران هم کمک کنم تا یاد بگیرند.

* پی‌نوشت

1. Global teacher prize
2. Nancie Atwell
3. Vesa Vesela
4. Bitola
5. Koco Racin
6. Ivanjevic

در هنگام فعالیت‌های کلاسی، دانش‌آموزان به صورت گروهی یا دوتایی کار می‌کنند، به هم کمک می‌کنند و از موفقیت یکدیگر شاد می‌شوند. کار ما مثل ساختن یک دانش‌نامه سرگرم‌کننده با محتوای آموزشی است: یادگیری به وسیله بازی و داستان. ما محتوای آموزشی غنی را برای استفاده حرفه‌ای یا خانگی می‌سازیم و به اشتراک می‌گذاریم. حتی دانش‌آموزان بیمار در بیمارستان‌ها می‌توانند فیلم‌ها را ببینند و یاد بگیرند. این فیلم‌ها همچنین برای دانش‌آموزان ساکن مناطق دورافتاده که پیش‌دبستان در آنجا وجود ندارد، مفید است. معلمان مدارس ابتدایی با استفاده از این فیلم‌ها می‌توانند نمونه‌های زیادی از فعالیت‌ها، برنامه‌ریزی درسی، شیوه‌ها و روش‌های آموزش و ایده‌های مختلف درباره استفاده از فاوا در آموزش کودکان و نوجوانان را ببینند.

● ویژگی‌های یک فیلم آموزشی خوب چیست؟

○ فیلم‌برداری باید بدون لرزش دست باشد و صدا، شفاف و رسا و نور در هنگام ضبط مناسب بوده. نور خورشید در مقابل دوربین نباشد، موسیقی بدون کلام باشد و صدای دانش‌آموزان در حال گفت‌وگو در فیلم شنیده شود. پخش موسیقی در تمام مدت فیلم ضرورت ندارد. من برای فیلم‌برداری از دوربین کوچکی استفاده می‌کنم. آن را روی نقطه ثابتی می‌گذارم. به این ترتیب، دوربین در تمام مدت دست من نیست. معلم باید در فیلم‌ها حضور داشته باشد.

● نقاط قوت و ضعف استفاده از فیلم به عنوان ابزار کمک آموزشی چیست؟

○ فیلم قطعاً یکی از راه‌های خوب برای نشان دادن نمونه‌های تدریس است. کودکان در خانه و کودکان فیلم‌ها با هم یاد می‌گیرند اما فرایند این کار برای معلم ساده نیست. تهیه فیلم‌ها زمان زیادی می‌برد. من هر روز عکاس، فیلم‌بردار، تهیه‌کننده و طراح وب هستم.

● بهترین تجربه شما در استفاده از این شیوه چیست؟

○ ما با استفاده از پاورپوینت داستان‌هایی تعاملی برای درس‌های ریاضی و ادبیات در کلاس می‌سازیم. دانش‌آموزان فعالیت‌های مربوط به ریاضی، بخش‌ها و گفت‌وگوهای ناتمام را پر می‌کنند. هیچ پایان خاصی برای داستان‌ها وجود ندارد. این داستان‌ها را با بقیه



من می گویم... شما تکرار کنید

«معرفی پروژه بریج»

ترنس راس

مترجم: محمد امین اسپروز

دانشگاه برکلی کالیفرنیا بود و در روستایی در شمال شرقی چین زبان انگلیسی تدریس می کرد، بی کفایتی نظام آموزش ابتدایی را تجربه کرد. او در این باره می گوید: «بچه هایی که در مناطق روستایی چین زندگی می کنند، از سایر بچه ها در جهان کم هوش تر نیستند بلکه مدارس که در اختیار این خانواده هاست، قابلیت کافی برای تدریس به این بچه ها را ندارد. این نظام، موقعیت های تحصیلی آنها را، حتی پیش از دوازده سالگی، از بین می برد. این مشکل بچه ها نیست. تمام بچه ها اگر در موقعیت درست قرار بگیرند، قابلیت یادگیری را دارند.» می و کیملمن در سال ۲۰۰۸ بریج را راه اندازی کردند. آنها تصمیم گرفتند این طرح را در کنیا اجرا کنند؛ جایی که آمارها داستان اسفباری را روایت می کردند. در گزارش تعلیم و تربیت بانک جهانی که در سال ۲۰۱۳ انتشار یافته است، موارد چالش برانگیزی دیده می شود: در مدارس دولتی کنیا در هر منطقه، کودکان هر روز ۱ ساعت و ۹ دقیقه کمتر از مدارس خصوصی همان منطقه ساعت آموزشی دارند. این یعنی در طول یک و نیم سال تحصیلی، ۲۰ روز کمتر آموزش می بینند. نسبت معلم به دانش آموز کمتر است و حتی اغلب معلم ها در کلاس حضور نمی یابند.

حتی وقتی معلم ها در کلاس حضور دارند، مشخص نیست به چه میزان دانش آموزان را آموزش می دهند. همین گزارش نشان می دهد که تنها ۳۵ درصد از معلم های مدارس دولتی کنیا در برنامه آموزشی ای که تدریس می کنند، مهارت دارند. سابقه تدریس ارتباطی با توانایی این معلم ها ندارد. همان طور که کیملمن توضیح می دهد، قانون خاصی برای شغل معلمی وجود ندارد: «معلم را سر یک کلاس می فرستند و به او می گویند: تدریس کن؛ تا پایان سال خواهیم دید که چطور تدریس کرده ای.»

تلاش های پیشین برای حل این مشکل پرهزینه و بی فایده بوده است. در همین گزارش آمده است: «دولت بیش از همسایگانش هزینه می کند. میان هزینه های دولت کنیا و یادگیری، گسستی وجود دارد. هزینه های بیشتر کارآمد نخواهد بود.»

با وجود شرایط نابسامان در مدارس دولتی، در دهه اخیر افزایش چشمگیری در تعداد مدارس خصوصی مشاهده می شود. ثبت نام در این مدارس از ۴ درصد در سال ۲۰۰۵ به ۱۲ درصد افزایش یافته است. مدارس بین المللی کمبریج، که در ۱۴ کشور جهان در حوزه مدارس خصوصی فعال اند، شهریه ثبت نام در کودکان کستانتان های خود را به بیش از ۶,۵۰۰ دلار

نور خورشید از پنجره بزرگ کلاسی در کیسانی - منطقه ای زاغه نشین در اطراف مومباسا واقع در کنیا - به درون می تابد. گروهی از دانش آموزان شش ساله به معلمشان خیره شده اند. او همان طور که در مورد ریزه کاری های گرامر می گوید، چند دقیقه یک بار نگاهی به کتاب خوانش^۱ می اندازد و راهنمایی های نوشته شده را دنبال می کند. دانش آموزان با شور و شوق و یک صدا کلمات را هجی می کنند. این فضای با نشاط، با وضعیت سایر مدارس دولتی در این منطقه فقیر بسیار در تضاد است. معلم خود مدیر آموزشگاه است و برای آموزشگاه های بین المللی بریج^۲ کار می کند؛ شرکتی انتفاعی، که تنها در عرض شش سال به غولی در نظام آموزشی کنیا تبدیل شده است. این شرکت، تنها با تمرکز بر ارزیابی کارایی معلم هایش به این موفقیت دست یافته است. اولین آموزشگاه این شرکت در ژانویه ۲۰۰۹ در محله فقیرنشین ماکورو تأسیس شده است؛ در حالی که در اکتبر ۲۰۱۴ بیش از ۳۵۰ منطقه و صدهزار دانش آموز را در کنیا را پوشش می داد و در تلاش است تا پایان سال ۲۰۱۵ در سایر کشورهای انگلیسی زبان در حال توسعه مانند اوگاندا، نیجریه و هند نیز خدماتش را گسترش دهد. در تمام مناطق هدف یکسان است؛ حل مشکلات مدارس ابتدایی در کشورهای در حال توسعه و سودآوری در روند انجام این کار.



معلم در حال استفاده از درس دیکته شده در مومباسا برای آموزش زبان های انگلیسی و سواحیلی

در کلاس مومباسا دو مهمان حضور دارند که با هر پاسخ صحیح دانش آموزان لبخندی بر لبشان می نشینند. شان می^۲ و همسرش جی کیملمن^۳، که اولین بار، هزاران مایل دور از کنیا در مناطق روستایی چین به فکر تأسیس بریج افتادند. می، که در آن زمان دانشجوی دکتری در رشته انسان شناسی



برق کاهش یافته است.

استفاده از فناوری پیشرفته با این مدارس در تضاد است؛ این آموزشگاه‌ها که با سیمان و یا آجر با دیوارهای فلزی ساخته شده‌اند، ارزش زیبایی‌شناختی ندارند. همچنین در هیچ کدام از این ساختمان‌ها برق وجود ندارد اما گاهی در صورت نیاز از یک ژنراتور برق استفاده می‌شود. نور این ساختمان‌ها تنها از طریق پنجره‌های بزرگی که دارند تأمین می‌گردد. در واقع، دوری از تجملات باعث گسترش بریج شده است. تنها در ژانویه ۲۰۱۳، ۵۱ مدرسه از این نوع در سراسر کنیا ساخته شده است.

همچنین در بریج راهکاری برای حل مسئله صلاحیت معلم‌ها در نظر گرفته شده است. در مدارس دولتی کنیا، معلم‌ها باید گواهی رسمی برای تدریس داشته باشند اما در بسیاری از مؤسسه‌های فقیر به دلیل نیاز، این مسئله نادیده گرفته می‌شود.

بسیاری از معلم‌ها در بریج گواهی لازم را ندارند و حتی برخی از آن‌ها تنها مدرک دیپلم دبیرستان را دارند اما صلاحیتشان با وسواس سنجیده می‌شود. بریج لزوماً به دنبال پویاترین معلم‌ها نیست بلکه تمرکز آن بر کسانی است که می‌توانند درس را واضح و کامل، بدون خارج شدن از روند مشخص، به دانش‌آموزان انتقال دهند.

می‌می گوید: «بخشی از کاری که ما می‌کنیم این است که مطمئن شویم معلم‌ها می‌دانند تدریس یک حرفه است. کار آن‌ها زیر نظر خواهند بود و ارزیابی خواهند شد. اگر کارشان را به درستی انجام دهند، پاداش می‌گیرند و اگر کار کلاس خوب پیش نرود، آن‌ها مسئول خواهند بود. آن‌ها نمی‌توانند بی‌دلیل غیبت کنند و یا تدریس نکنند.»

تا کنون، این روش مؤثر بوده است: دانش‌آموزان بریج در خواندن ۳۵ درصد و در ریاضیات ۱۹ درصد بیشتر از مدارس همسایه خود امتیاز کسب کرده‌اند، اما همه با این روش موافق نیستند. کیت ردمن، متخصص ارتباطات در بخش تحصیلات برای همه در یونسکو، با طرح بلند مدت بریج موافق نیست. او می‌گوید: «استفاده از این روش در مقیاس بزرگ، قالب محدودی از آموزش را فراگیر می‌کند؛ قالبی که در آن آموزش از طریق کنش متقابل در کلاس صورت نمی‌پذیرد. این روش تحصیل، خلاقیت دانش‌آموزان را شکوفا نمی‌کند و تفکر انتقادی و حرکت اجتماعی را در آن‌ها از بین می‌برد. این روند می‌تواند باعث یادگیری طوطی‌وار شود و جای کمی برای

رسانده‌اند که این رقم برای مقاطع بالاتر بیشتر می‌شود. برای کشوری که نیمی از جمعیتش با دستمزد کمتر از یک دلار در روز زندگی می‌کنند، استفاده از مدارس خصوصی ارزان‌تر نیز به ندرت امکان‌پذیر است.

این دقیقاً همان جایی است که آموزشگاه‌های بریج جایگاهشان را یافته‌اند: جایی میان مدارس بیش از حد گران‌قیمت خصوصی و مدارس پر مشکل دولتی. با شهریه ماهی ۶ دلار، این مدارس گزینه‌ای مقرون به‌صرفه‌اند؛ آن‌ها بدون هزینه‌های گزاف مدارس خصوصی، کیفیتی در همان حد دارند.

با اینکه میزان توسعه و گسترش آموزشگاه‌های بریج بسیار بالاست، آنچه بحث‌برانگیز شده روش این شرکت به نام «دستورالعمل دیکته‌شده» است. پیش از افتتاح اولین آموزشگاه بریج، تعداد زیادی تبلت خریداری شد و نرم‌افزاری اختصاصی روی آن‌ها نصب گردید. هدف از این امر، نه تنها دادن دستورالعمل‌های تدریس به معلم‌ها، بلکه ارزیابی عملکرد آن‌ها نیز بود. معلم‌ها به محض حضور در کلاس، باید از طریق این تبلت‌ها حضور خود را اعلام کنند و از روی متن دیکته‌شده به تدریس بپردازند. سپس این داده‌ها در دفاتر شرکت بریج در نایروبی و ستاد مرکزی آن در ماساچوست، بررسی و تحلیل می‌شود. با استفاده از تلفن‌های هوشمندی که شرکت در اختیار مدیران این آموزشگاه‌ها گذاشته است، آن‌ها دائماً با ستاد مرکزی در ارتباط‌اند. این تلفن‌ها داده‌هایی مانند برنامه درسی و نمرات امتحانات را به‌طور هم‌زمان به مرکز مخابره می‌کنند. اگر معلمی دیر در کلاس حاضر شود، غیبت کند و یا حتی مدت زمان زیادی روی یک صفحه درس بماند، گروه تحلیل‌گران شرکت بریج با نام «معلم‌های خیره» به‌طور هم‌زمان این موارد را بررسی می‌کنند.

این روش، نتایج ثابتی را ضمانت می‌کند: اگر در یک روز مشخص (و در یک پایه تحصیلی) به هر کلاسی بروید، خواهید دید که معلم‌ها درس یکسانی را تدریس می‌کنند. به این ترتیب، در طبیعت این روش، فردیت و غیرمنتظره بودن قربانی می‌شود. مدرسان پویا که با خلاقیت سعی دارند در کلاس فضایی منحصر به فرد ایجاد کنند، در نظام بریج جایگاهی ندارند. آن‌ها به نفع معلمانی که می‌توانند خوب از دستورالعمل‌ها پیروی کنند، کنار گذاشته می‌شوند. برهان بریج از فلسفه سودمندگرایی استخراج می‌شود: به دلیل وضعیت اسفبار مدارس دولتی در کنیا، بهتر است به کودکان تحصیلاتی ساده اما قابل اعتماد بدهیم تا اینکه به معلم‌های با استعداد امید داشته باشیم.

می‌می گوید: «اگر معلم‌های ما را با معلمان سایر مؤسسه‌های آموزشی مقایسه کنید، شاید فکر کنید که این‌ها کم تجربه‌تر و کم‌سوادترند. اما در نهایت، موفقیت کلاس به آموزش دیدگی معلم بستگی ندارد. ما معلم‌هایی داریم که واقعاً سرکلاس تدریس می‌کنند.»

هزینه‌های بریج به دلیل استفاده از مصالح ارزان قیمت و نبود

با اینکه میزان توسعه و گسترش آموزشگاه‌های بریج بسیار بالاست، آنچه بحث‌برانگیز شده روش این شرکت به نام «دستورالعمل دیکته‌شده» است. معلم‌ها به محض حضور در کلاس، باید از طریق این تبلت‌ها حضور خود را اعلام کنند و از روی متن دیکته‌شده به تدریس بپردازند



تبلت را بگیر و برو سر کلاس!

علیرضا منسوب بصیری

وقتی در تحریریه مجله قرار شد به موضوع تربیت معلم و فاوا بپردازیم، با افراد مختلفی قرار گذاشتیم و تجربیات متخصصان مختلفی را در زمینه تربیت معلم و فناوری شنیدیم. یکی از این افراد، که چند سالی در کنیا با مؤسسات غیردولتی بین‌المللی کار کرده بود، پروژه‌های را به ما معرفی کرد که بریج^۱ یا پل نام داشت.

پروژه بریج در یک کلام طرح درسی الکترونیکی است که به صورت ذخیره شده روی تبلت در اختیار معلم قرار می‌گیرد و معلم با آن سر کلاس می‌رود و کلاس را با شیوه‌های به‌روز و نو اداره می‌کند.

در واقع، کلیه کارهایی که معلم باید در کلاس انجام دهد، مرحله به مرحله از طریق تبلت در اختیار معلم قرار می‌گیرد و سایر فعالیت‌های مدیریتی کلاس همانند حضور و غیاب و ثبت مشاهدات معلم و درج نمرات و فعالیت‌های دانش‌آموزان نیز از طریق همان تبلت انجام می‌شود. این تبلت‌ها از طریق فناوری‌های ارتباطی به یک سرور در سازمان مرکزی متصل‌اند تا برنامه درسی و طرح درس‌ها به‌روزرسانی شوند و وضعیت شاگردان و عملکرد معلم در کلاس بررسی گردد.

بریج ادعا می‌کند که با به‌کارگیری فناوری توانسته است زمان‌هایی را که معلم به کارهای غیرآموزشی اختصاص می‌دهد، کم کند، کیفیت آموزش را افزایش دهد و جلوی هزینه‌های اضافی را بگیرد. ضمن آنکه این روش باعث رشد و بالندگی حرفه‌ای معلم نیز می‌شود و مهارت‌های او را ارتقا می‌دهد.

شاید به‌نظر برسد که این شیوه برای کشورهای توسعه نیافته و فقیر که از نظر منابع انسانی و معلمان توانمند نیز فقیرند کاربرد دارد و برای مدارس خوبی که از معلمان خلاق و باسواد بهره‌مندند کارایی ندارد، اما از منظر تربیت معلم شاید بتوان آن را شیوه‌ای نوین برای همراهی یک معلم تازه کار در سال‌های اولیه خدمت به حساب آورد.

* پی‌نوشت

1. www.bridgeinternationalacademies.com

انعطاف‌پذیری باقی گذارد. هیچ مدرکی دال بر دائمی بودن این روش وجود ندارد.»

ردمن همچنین در مورد بریج و سایر مدارس خصوصی هشدار می‌دهد که این مدارس ارزش‌های فرهنگی خارجی را بر کشور تحمیل می‌کنند. با اینکه مدارس خصوصی می‌توانند یاری دهند اما هم‌زمان این می‌تواند خود سراسیمه‌ی سقوط باشد. تعهد اصلی باید بهبود وضعیت مدارس دولتی باشد. سابقه نظام آموزشی کنیا به سال ۱۹۸۴ برمی‌گردد؛ زمانی که برنامه درسی این کشور از زیر سلطه بریتانیا رها شد. از آن زمان، همچنان مشکلاتی وجود دارد اما ردمن معتقد است که کنیا خود باید جایگاهش را بیابد. او می‌گوید: «برنامه درسی چیزی بیش از آموزش مهارت‌های ابتدایی است، این برنامه باید بازتاب فرهنگ و تنوع فرهنگی موجود در کشور باشد. تنها با ایجاد یک برنامه درسی ملی، هماهنگ با درک فرهنگی، مسئولان می‌توانند بر چالش‌های محلی و ملی فائق آیند.»



کتاب‌خوان‌های بریج نه تنها شامل متون دیکته شده و نرم‌افزار نظارت برآمد و رفت معلم‌ها هستند بلکه اطلاعاتی در مورد هر دانش‌آموز را نیز در خود جای داده‌اند.

هری پاترینوز^۷، یکی از مدیران بخش آموزش بانک جهانی، با ردمن موافق نیست. وی معتقد است که شرکت‌های خصوصی همچون بریج می‌توانند الهام‌بخش دولت برای بهبود وضعیت باشند. او می‌گوید: «در برخی کشورهایی که شاهد حضور گسترده مدارس خصوصی بودیم، بخش دولتی نیز واکنش نشان داد این می‌تواند به دلیل رقابت و یا غرور بوده باشد.» او اضافه می‌کند: «باید تمام گزینه‌ها را سنجید. شاید همه این‌ها بخشی از یک پازل باشند. متون دیکته شده می‌توانند برای برخی دانش‌آموزان بسیار خوب عمل کنند ولی از تمام این نوآوری‌ها می‌توان درس گرفت. اگر این نوآوری‌ها به طور مستقیم در نظام دولتی تکرار شوند و یا از بعضی عناصر آن‌ها استفاده شود، وضعیت نظام دولتی بهبود می‌یابد.»

* پی‌نوشت

1. e-Reader

کتاب‌خوان وسیله‌ای الکترونیکی مانند تبلت است که به وسیله آن می‌توان کتاب‌های دیجیتال را مطالعه کرد.

2. Bridge International Academies

3. Shannon May

4. Jay Kimmelman

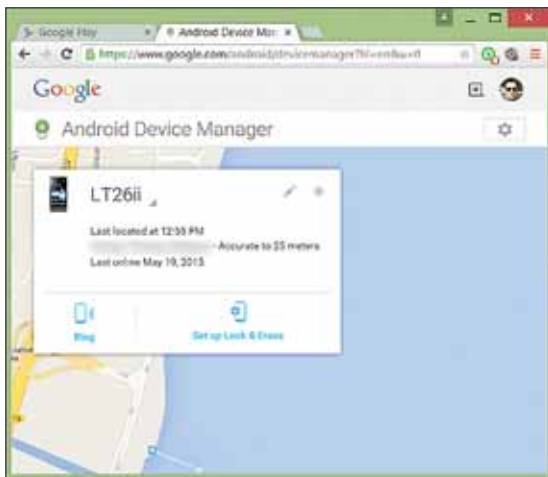
5. Kate Redman

6. UNESCO's Education for all Initiative

7. Harry Patrinos

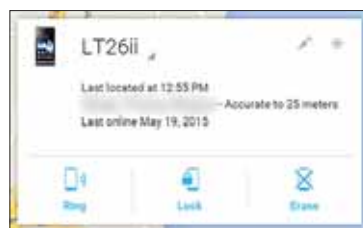
گوشی من گم شده!

احسان مظلومی



حتی گوشی بدون سیم کارت را هم می‌توانید با این روش پیدا کنید. امکان اول، مکان حدودی گوشی را به شما نشان می‌دهد و امکان دوم، مکان دقیق آن را، اما امکان سوم که از دوتای اولی جالب‌تر است: اگر دکمه Setup lock and erase را کلیک کنید، پیامی به گوشی شما ارسال می‌شود و بعد از تأیید آن در گوشی، این امکان برایتان فعال می‌شود و به جای دکمه قبلی دو دکمه جدید می‌بینید.

حالا این امکان چیست؟ اگر خدای نکرده گوشی شما دزدیده شد یا آن را گم کردید، می‌توانید وارد این صفحه شوید. اینجا



با کلیک روی دکمه Erase می‌توانید همه محتوای گوشی را از راه دور پاک کنید؛ یعنی تمام عکس‌ها و فیلم‌های شخصی و خانوادگی خود را، همچنین شماره تلفن‌ها، اس‌ام‌اس‌ها و چت‌ها و خلاصه همه چیز را. با کلیک روی دکمه Lock هم می‌توانید گوشی را قفل کنید تا کسی به محتوای آن دسترسی نداشته باشد. توصیه من این است که این امکان را همین الان که مجله را می‌خوانید فعال کنید.

آن‌هایی که گوشی موبایل خود را گم کرده‌اند یا گوشی‌شان سرقت شده احتمالاً با من هم‌دردند و حرف مرا درک می‌کنند. هزینه خرید گوشی جدید و سوزاندن سیم‌کارت و دریافت سیم‌کارت جدید یک طرف، غم از دست دادن اطلاعات هم همان طرف قبلی! طرف مهم‌تر نگرانی سوءاستفاده از عکس‌ها، فیلم‌ها، مکالمه‌های وایبری و اس‌ام‌اس‌هاست که همه را آزار می‌دهد.

نگرانی اینکه گوشی به دست آدم نابکاری بیفتد و او هوس کند عکس و فیلم‌های ما را در یوتیوب و فیس‌بوک بگذارد، از همه این‌ها بدتر است. وای به روزی که عکس و فیلم خانوادگی هم در گوشی داشته باشیم، که معمولاً داریم. در این مواقع، گاهی حاضریم هر چقدر لازم باشد پول بدهیم تا گوشی را دوباره به دست بیاوریم ولی در اکثر اوقات این امکان فراهم نیست و تا مدت‌ها باید با ترس و لرز منتظر باشیم عکس و فیلم‌هایمان را در اینترنت ببینیم.

می‌خواهم یک راه‌حل ساده و کارآمد را به شما معرفی کنم. در بیشتر موارد، این راه‌حل جواب می‌دهد. البته اگر بدشانی نیاورید و دزد محترم خیلی اهل تکنولوژی نباشد! شما پس از خرید یک گوشی اندرویدی، اولین کاری که می‌کنید این است که آن را در گوگل رجیستر کنید. پس، داشتن یک گوشی فعال به این معناست که یک اکانت گوگل دارید. در کامپیوتر به نشانی زیر بروید.

<https://www.google.com/android/devicemanager>

اینجا لازم است به حساب کاربری خود وارد شوید؛ یعنی همان حسابی که گوشی را با آن رجیستر کرده‌اید. در این صفحه، مدل گوشی خود را در سمت چپ خواهید دید. مکان گوشی را هم می‌توانید روی نقشه گوگل ببینید. البته بهتر است جی‌پی‌اس گوشی فعال باشد تا مکان دقیق‌تر نشان داده شود.

در سمت چپ دکمه‌ای به نام Ring دیده می‌شود. روی آن کلیک کنید؛ اگر گوشی به اینترنت متصل باشد زنگ می‌زند. این دو امکان برای وقتی که گوشی گم شده باشد خیلی مفیدند.



علاقه‌مندی‌هایت را سوزن بزن

معرفی سایت pinterest

نرگس لیاقی مطلق

معلم فیزیک و معلم تفکر منطقه ۲ تهران

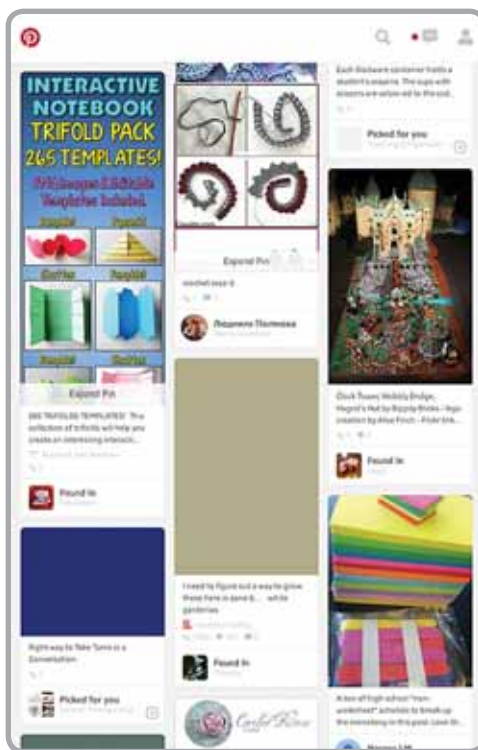
برخورده بودم اما نمی‌توانستم نوع سایت و موضوع اصلی آن را درک کنم. تا اینکه به مدد این نرم‌افزار شخصاً کاربر این سایت یا این نرم‌افزار یا این ایده هوشمندانه شدم! نام سایت یا نرم‌افزار آن **pinterest** است. **Pinterest** از دو کلمه **interest** و **PIN** به معنای سوزن زدن و علاقه‌مند یا مجذوب چیزی شدن، تشکیل شده است.

یعنی به علاقه‌مندی‌هایت سوزن بزن! نرم‌افزار به‌گونه‌ای است که اگر کاربری در جست‌وجوهای اینترنتی به موضوع مورد علاقه خودش برخورد کند، می‌تواند یک تصویر از آن صفحه اینترنتی را سوزن بزند (pin کند) تا هم خودش بتواند دوباره به آن صفحه بازگردد و هم فرد دیگری که به این موضوع علاقه‌مند است بتواند از آن استفاده کند. به این ترتیب، میلیون‌ها کاربر، در حال به‌روز کردن مطالب این سایت و در واقع غنی کردن مطالب آن هستند، که البته به‌صورت تصویرهای انتخاب شده است.

نرم‌افزار چگونه به ما کمک می‌کند؟ پس از نصب نرم‌افزار، در اولین مراحل کار با آن موضوعاتی را که برایتان جالب است مشخص می‌کنید. تعداد موضوعات معرفی شده زیاد است؛ پس در ابتدای امر از میان آن‌ها پنج موضوع را انتخاب می‌کنید. اولین انتخاب من آموزش بود! اولین صفحه‌ای که با باز کردن نرم‌افزار پیش‌چشمانتان گشوده می‌شود، صفحه‌ای است که آخرین تغییرات سایت را در مورد موضوعات مورد علاقه شما به

به‌طور اتفاقی با نرم‌افزاری آشنا شدم که جست‌وجوهای اینترنتی‌ام را ادامه‌دار و کارآمدتر کرده است.

چندی پیش، هنگام جست‌وجو برای یک موضوع درسی، به تصویری برخورددم که چون آن را مرتبط با موضوع یافته‌م صفحه‌ای از صفحات وب را برای رسیدن به آن گشودم و با کمال تعجب متوجه شدم این سایت نرم‌افزار مخصوص خود را برای نصب روی رایانه شخصی و گوشی یا تبلت دارد. عجیب‌تر آنکه این نرم‌افزار را در «بازار» یافته‌م! در جست‌وجوهای قبلی، زیاد به نام این سایت





آوردن مطالب بیشتر در مورد آن تصویر، در زیر عنوان آن تصویر می‌توانید به نشانی اینترنتی سایتی که تصویر از آن برآمده است، مراجعه کنید و کل مطلب مرتبط با آن موضوع را بخوانید.

همین‌طور در زیر یک تصویر می‌توانید به تصاویری با موضوع مشابه تصویر اصلی دست یابید.

دلیل جذابیت این نرم‌افزار این است که می‌توان از علاقه‌مندی‌های دوستان و آشنایان هم استفاده کرد و صفحاتی را که سوزن زده شده است، به راحتی دنبال نمود. و اما این سایت در قالب تصویر چگونه به من کمک کرد؟

به دلیل علاقه‌مندی‌ام به موضوع آموزش، سایت ایده‌های جالب معلمان دیگر را در سایت‌های مختلف در صفحه ابتدایی نرم‌افزار برایم به اشتراک می‌گذارد. دو مورد از این پیشنهادها را تا به حال در کلاس درس عملی کرده‌ام و هم خودم و هم بچه‌ها از آن بسیار لذت برده‌ایم. این هم تصاویری از نمونه کار کلاس با ایده از سایت [pinterest](https://www.pinterest.com).

شما هم به جمع سوزن‌زندگان بپیوندید!

نمایش می‌گذارد. این یعنی جست‌وجوهای شما ادامه‌دار می‌شود! مثلاً من با موضوع آموزش در شاخه مهارت‌های زندگی در سایت قبلاً جست‌وجو کرده‌ام. برای همین، به محض اینکه نرم‌افزار را باز می‌کنم، با توجه به علاقه‌مندی و دفعات تکرار جست‌وجویم در باب یک موضوع، پیشنهادهای جدیدی در مورد آن ارائه می‌کند. در نرم‌افزار یک صفحه در اختیار شما قرار می‌گیرد که می‌توانید روی آن تابلو اعلانات مختلفی به صورت خصوصی (غیرقابل مشاهده برای دیگران) و یا عمومی ایجاد کنید و روی تابلوها (Boards) علاقه‌مندی‌های خودتان را به‌طور تفکیک‌شده سوزن بزنید.

در این صفحه همچنین می‌توانید کسانی را که دنبالان می‌کنند، یا صفحاتی را که دنبال می‌کنید و پست‌هایی را که مورد علاقه‌تان بوده است و like کرده‌اید، ببینید. این کار به شما کمک می‌کند تا جست‌وجوهای پیشین را پیش‌رو داشته باشید و به دیگران کمک می‌کند تا جست‌وجوهای مفیدتری داشته باشند.

حالا فرض کنید از میان تصاویر پیشنهادی نرم‌افزار، یک تصویر را انتخاب کرده و سوزن زده‌اید. برای به‌دست



فوبیای دست زدن به رایانه

فرهنگ اصطلاحات روان‌شناسی عصر ارتباطات

۵۱۱



رویا صدر
تصویرگر: سام سلماسی

تعریف

«فوبیای دست زدن به رایانه» سندرمی است که امروزه در برخی نظام‌های آموزشی مفهومی کانونی دارد. نمونه‌هایی از آن در میان استادان مراکز تربیت معلم نیز مشاهده شده است که به آن، فوبیای پسا-پست‌مدرنیسم فاوایی نیز می‌گویند.

علائم

فرد مبتلا از دست زدن به دستگاه رایانه گریزان است و از به‌کارگیری سیستم ایمیل برای ارتباط با دانشجویان، هراس دارد. مبتلایان ممکن است خواب ببینند که آدم‌خواران قبایل آفریقایی اشکالات درسی خود را از طریق ایمیل، وایبر، وی‌چت و دیگر وسایل فناورانه امروزی از آن‌ها پرسیده‌اند. این امر معمولاً به حس ناامنی و ترس مبتلایان از رایانه دامن می‌زند. حتی گاهی برخی مبتلایان از کابوسی حرف می‌زنند که در آن دستگاه رایانه در یک بیابان بزرگ در حال تعقیب آن‌هاست و سعی می‌کند انگشت‌هایشان را روی صفحه کلید خود فشار دهد. در موارد خطرناک‌تر، در میان برخی مبتلایان حتی کابوس نشستن پای دستگاه و مطالعه ایمیل دانشجویان نیز گزارش شده است. گاه ممکن است این سندرم با تظاهرات دیگر از قبیل عذر و بهانه آوردن برای جواب‌ندادن به ایمیل‌ها و مجهز نبودن به سیستم‌های مدرن در آموزش، از قبیل نداشتن عینک ذره‌بینی، درد در ناحیه انگشت اشاره و ناتوانی در فشار دادن صفحه کلید همراه شود. در واقع، کسی که به سندرم فوبیای دست زدن به دستگاه مبتلاست، لزوماً دچار نارسایی در اطلاعات نیست؛ چنان‌که ارسطوی حکیم نیز در این باره گفته است: «تخیر، دچار نارسایی در اطلاعات نیست»، بلکه دلش نمی‌خواهد نظم و نظام چندصدهزار ساله اختراعات و ابتکارات از جمله پدیده دیواره نویسی غارها و یا نوشتن روی پوست آهو و یا کاغذ را بر هم زند. گاهی تصور می‌شود میان مبتلایان و مخترعان کاغذ در چین و ماچین ارتباط معناداری وجود دارد. چرا که آن‌ها در پاسخ به دانشجویان بی‌فکر بی‌ملاحظه‌ای که با بی‌توجهی هر چه تمام‌تر می‌گویند: «استاد؛ به خدا راهمون دوره. باید تا مریخ بریم و برگردیم. می‌شه جوابارو براتون ایمیل کنیم و روی کاغذ ننویسیم؟ به شدت از کوره درمی‌روند و می‌گویند: «نه، نمی‌شه.»

راه‌های ابتلا

منشأ این سندرم مشخص نیست ولی مجموعه یافته‌های بالینی و پاراکلینیک نشان می‌دهد که نظام آموزشی نادرست در شکل‌گیری آن نقش دارد؛ گرچه کامپیوتر زغالی خوب هم بی‌تأثیر نیست. چنانچه دکتر ابوالقاسم فردوسی در «چگونه فولاد آبدیده شد» بر سرایت این سندرم از طریق آموزش نادرست در دوره‌های حین خدمت و دوره‌های تحصیلی و امثاله تأکید دارد ولی میرزا حسینقلی خان هدایت، سرایت آن را از طریق باند، لنگراندازی در دریا و فیتوپلانکتون‌هایی که از کابل‌های اینترنت تغذیه می‌کنند و باعث اختلال در شبکه‌های اینترنتی و از دسترس خارج شدن آن‌ها می‌شوند، منتفی نمی‌داند.



راه‌های درمان

راه‌های درمان هنوز کاملاً روشن و واضح باشد و یا نباشد، چندان مهم نیست. چنان‌که عین‌القضات سمرقندی، از اعظام شاگردان یکی از مراکز آموزشی بلخ، در کتاب مشهور خود به نام: «لذات فارغ التحصیلی» در این باره و دیگر باره‌ها می‌گوید: «بابا این حرفارو ولش کن... شما بیه کار تدریس پاره وقت سراغ نداری؟ فاوا هم هر چی باشه قبوله...»

نمونه‌ها

ارسطوی حکیم، استاد مرکز تربیت معلم است که در کلیه ساعات شبانه‌روز، بر ویژگی‌های عصر فناوری اطلاعات و ارتباطات تأکید می‌کند و معتقد است که فاوا بسیار خوب و لازم می‌باشد. از جملات قصار اوست: «شایسته است تکریم فناوری اطلاعات به هنگام سخن گفتن و گرفتن تکالیف به صورت دستی، و هر چیز به جای خویش نیکوست... و حرف نباشد.» از این رو به نظر می‌رسد افکار و اعمال او آشنا باشد و با واقعیتی که ما اینجا و آنجا می‌شناسیم، بتواند ارتباط زیادی برقرار کند و خیلی‌های دیگر مثل او فکر کنند. چنانچه استاد دکتر ابن هیثم دارقوزآبادی نیز در رساله ارزشمند «فاوا سیری چند؟» در این باره گفته است: «اگر دانشجو در ثریا هم باشد، شایسته است تحقیقش را بکند توی طلق و شیرازه و برای من بیاورد... در ضمن، عصر فناوری اطلاعات و ارتباطات خیلی مهم است.»

هیجان در روستا



تجربه یک زندگی روستایی
بسیار جذاب و هیجان‌انگیز با



محمد اسدبگی

دانش‌آموز سال دوم متوسطه دبیرستان نمونه‌دولتی امام صادق (ع) همدان

به جای مقدمه

هی‌دی یک بازی بسیار جذاب کشاورزی و مزرعه‌داری به سبک استراتژیک است. این بازی برخط (آنلاین) که محصول شرکت سوپرسل^۱ است، در سال ۲۰۱۲ برای IOS و در سال ۲۰۱۳ برای اندروید ساخته شد. در سال ۲۰۱۳، هی‌دی جزء چهار بازی پردرآمد جهان بوده است. بیش از ۵۰ میلیون نفر در دنیا هی‌دی را بازی می‌کنند. امتیاز این بازی در Google Play، ۴/۵ از ۵ است و این نشان می‌دهد که هی‌دی یکی از بهترین و پرطرفدارترین بازی‌هاست.

در هی‌دی، فرد در نقش یک کشاورز به کشت انواع درخت و سبزیجات و محصولات کشاورزی می‌پردازد و سپس با انواع کارخانه‌ها و مؤسسات ارتباط برقرار می‌کند تا محصولات خود را به فروش رساند و کسب درآمد کند. همچنین از درآمد خود می‌تواند حیواناتی را پرورش دهد و از محصولات حیوانات خود نیز درآمد کسب کند و امتیاز به‌دست آورد. در این بازی، فرد برای رشد بیشتر محصولات خود و کسب درآمد بیشتر، مزرعه شخصی‌اش را با ابزارهای متعددی که در اختیار دارد، تجهیز می‌کند.

در هی‌دی، فرد می‌تواند به‌آسانی برای به‌دست

آوردن درآمد، انواع کارخانه‌های تولید قند و لبنیات، نانوبی و غیره ایجاد کند و برای فروش بیشتر، محصولاتش را در فروشگاه‌های مختلف به نمایش بگذارد و یا در روزنامه تبلیغ کند. همچنین می‌تواند مزرعه‌اش را در مکان‌های مختلف گسترش دهد. با فروش تخم‌مرغ و پرورش انواع حیوانات اهلی همچون سگ، اسب، گوسفند، گاو و... به کسب درآمد بپردازد تا به هدف نهایی خود دست یابد. هدف نهایی کشاورز در این بازی، تبدیل شدن به یک کشاورز نمونه و خلاق است.

برخی از ویژگی‌های بازی مزرعه‌داری هی‌دی اندروید

- تولید انواع مواد غذایی خوشمزه با استفاده از مواد طبیعی موجود در مزرعه
- خرید انواع مواد غذایی از مزرعه‌ها و فروش محصولات خود به مشتریان
- امکان بازی به‌صورت برخط (آنلاین) و کسب درآمد با دوستان خود در شبکه‌های اجتماعی گوگل پلاس و فیس‌بوک
- ساخت کارخانه‌های مختلف برای کسب درآمد و گسترش مزرعه مانند کارخانه قند و یا بافندگی
- در دسترس بودن انواع ابزارها برای بهبود کار و



در طول بازی احساس می‌کردم در یک محیط واقعی مشغول کشاورزی و مزرعه‌داری هستم. گرافیک و قابلیت‌های تعاملی این بازی به قدری جذاب است که انسان دوست ندارد از محیط بازی خارج شود



کلمه نیازسنجی را بارها شنیده بودم ولی کاربرد آن را نمی دانستم. در این بازی کاربرد نیازسنجی را فهمیدم و متوجه شدم نیازسنجی اولین قدم برای انجام هر کاری است

هر کس مزرعه خود را به شکلی ساخته و آن را با سلیقه خود تزیین کرده بود. من هم تصمیم داشتم یک مزرعه بزرگ و نمونه شبیه آن‌ها بسازم. می خواستم مزرعه‌ای زیبا با حیوانات، درختان، گل‌ها و گیاهان مختلف داشته باشم. قصد داشتم وسایل زیادی برای مزرعه‌ام تهیه کنم. در ابتدا، کارم را با چند قطعه زمین کوچک که در اختیار داشتم شروع کردم. در آن زمین، محصولاتی مثل گندم، نیشکر، هویج، سویا و... پرورش می‌دادم. مقداری از محصولات را می‌فروختم و مقداری را برای درست کردن غذای حیوانات و یا به‌عنوان بذر نگه می‌داشتیم. یک بار حواسم نبود و همه سویاها را فروختم و هیچ بذری برای کاشت نگه نداشتم. در نتیجه نمی‌توانستم غذای برخی حیوانات را تهیه کنم. به هر فروشگاهی هم که سر می‌زدم، سویا نداشتم. برای همین، حیوانات مزرعه‌ام مدت‌ها بدون غذا ماندند. حیوانات گرسنه هم محصولی نمی‌دادند و همچنان در انتظار غذا بودند. تا اینکه اتفاقی وارد یک فروشگاه شدم و دیدم در قفسه، سویا برای فروش دارد. سریع آن‌ها را خریداری کردم اما چون تعدادشان کم بود، اگر همه را برای غذای حیوانات مصرف می‌کردم باز با آن مشکل قبل مواجه می‌شدم. پس فکر کردم و تصمیم گرفتم تعداد کمی از آن‌ها را به‌عنوان غذای حیوانات استفاده کنم و بقیه را در زمین بکارم. آن‌ها را کاشتم و بعد از برداشت، به‌طور کامل دقت می‌کردم که این مشکل پیش نیاید. باید مزرعه را به خوبی مدیریت می‌کردم؛ نمی‌توانستم هر محصولی بکارم. در ابتدا فکر می‌کردم مزرعه‌داری و کشاورزی کار راحتی است ولی وقتی با مشکلات زیادی مواجه شدم، فهمیدم که یک کشاورز خوب برای موفق شدن باید بتواند کارش را به خوبی مدیریت کند و قبل از انجام دادن هر کاری، همه چیز را بررسی کند. در ابتدای بازی بدون توجه به نیازهایم محصولاتی را در زمین می‌کاشتم، غذای حیوانات را بدون توجه به نیاز تهیه می‌کردم و به‌طور کلی برای انجام دادن هر کاری بدون برنامه عمل می‌کردم؛ تا اینکه یک‌بار متوجه شدم ساعت‌هاست بازی می‌کنم ولی پیشرفتی ندارم. محصولاتی را پرورش می‌دادم که مورد نیازم نبود، انبار از محصولاتی پر می‌شد که نیازی به آن‌ها نبود و جا برای محصولات دیگر نداشتم. از طرفی، محصولاتی را که پرورش داده بودم هیچ‌کس نمی‌خرید. گاهی غذای بعضی

کار بهتر روی مزرعه

- امکان کاشت انواع محصولات برای کسب درآمد با قابلیت برداشت
- امکان کاشت انواع درختان برای به‌دست آوردن میوه و انجام دادن کارهای دیگر همچون رنگ‌آمیزی ساختمان
- دارا بودن گرافیک خیره‌کننده نسبت به حجم بسیار کم خود به همراه صداگذاری مهیج و محیط تعاملی عالی^۲.



تجربه من از بازی هی‌دی

رؤیای زندگی و کار در مزرعه و پرورش و نگهداری حیوانات از دوران کودکی همراه من بوده است. برای همین، بسیاری از اسباب‌بازی‌های دوران کودکی‌ام، حیوانات بودند. خاطرات خوشی از بودن در کنار حیوانات در دوران کودکی دارم. گاهی به بازار می‌رفتم و خرگوش یا لاک‌پستی می‌خریدم و ساعت‌ها با آن مشغول بازی می‌شدم ولی متأسفانه امکان نگهداری آن را نداشتم و خیلی زود آن را به مکان قبلی‌اش برمی‌گرداندم. این علاقه را هر بچه‌ای ممکن است داشته باشد. البته هنوز هم این علاقه در من از بین نرفته است. بازی هی‌دی با توجه به محیط جذاب و جالبی که داشت، به علائق من پاسخ داد و من از بازی در محیطی که برایم ایجاد کرده بود لذت می‌بردم. در تمام طول مدت بازی احساس می‌کردم در یک محیط واقعی مشغول کشاورزی و مزرعه‌داری هستم. گرافیک و قابلیت‌های تعاملی این بازی به قدری جذاب است که انسان دوست ندارد از محیط بازی خارج شود. در ابتدا که وارد بازی شدم، مزرعه بسیار کوچکی داشتم و وسایل و تجهیزات خاصی در مزرعه نداشتم. وقتی به مزرعه‌های افرادی که در سطوح بالای بازی قرار داشتند سر می‌زدم، بسیار شگفت‌زده می‌شدم.



**در این بازی
تجاریبی برای
فروشندهگی کسب
کردم. یاد گرفتم
که اگر محصولی را
با قیمت بالا عرضه
کنم، خریدار آن
بسیار کم خواهد
بود و دیر به فروش
می‌رسد؛ در نتیجه
سود چندانی
نمی‌برم**

حیوانات را درست می‌کردم ولی بعد متوجه می‌شدم که آن‌ها فعلاً به غذا نیاز ندارند ولی حیوانات دیگر گرسنه‌اند و من برای آن‌ها غذا تهیه نکرده‌ام. بعد از این مشکلات بود که تصمیم گرفتم قبل از انجام دادن هر کاری نیازها را بررسی کنم و بدون برنامه کار نکنم. نگاه می‌کردم ببینم کدام حیوانات به غذا نیاز دارند. دستگاه را برای غذای آن‌ها آماده می‌کردم. برای تهیه هر غذایی باید بررسی می‌کردم که مواد اولیه آن را دارم یا نه. اگر نداشتم، آن‌ها را در زمین می‌کاشتم. سفارش‌هایی را که از جاهای مختلف می‌آمد بررسی می‌کردم و براساس آن‌ها محصولاتی را تولید می‌کردم؛ مثلاً اگر دو بسته شکر سفید می‌خواستند، سریع، نیشکرهایم را بررسی می‌کردم و اگر نداشتم، می‌کاشتم یا خریداری می‌کردم و بعد دستگاه را برای تهیه شکر سفید آماده می‌کردم. با انجام دادن این کار، توانستم مراحل بازی را به سرعت و با موفقیت طی کنم. قبلاً کلمه نیازسنجی را بارها شنیده بودم ولی کاربرد آن را نمی‌دانستم. در این بازی کاربرد نیازسنجی را فهمیدم و متوجه شدم نیازسنجی اولین قدم برای انجام هر کاری است. مشکلاتی را که برایم پیش می‌آمد سعی می‌کردم به طریقی حل کنم؛ مثلاً در هر سطح وسایل و امکاناتی به مزرعه اضافه می‌شد که قبل از هر چیز باید جای مناسبی برای آن‌ها آماده می‌کردم. در برخی قسمت‌های مزرعه، سنگ و درختان اضافی وجود داشت که با وجود آن‌ها نمی‌توانستم امکانات جدید را وارد مزرعه کنم. برای از بین بردن سنگ‌ها باید از «تی‌ان‌تی» استفاده می‌کردم. برای قطع درختان اضافی باید از اره استفاده می‌کردم اما در ابتدا هیچ کدام از این وسایل را نداشتم و الماس لازم برای تهیه آن‌ها هم نداشتم. اینجا بود که احساس می‌کردم در شرایط تحریم قرار دارم. پس تصمیم می‌گرفتم مشکل را به طریقی حل کنم. مرتب به روزنامه سر می‌زدم و اگر مواد و وسایل مورد نیازم را برای فروش می‌گذاشتم، سریع آن‌ها را خریداری می‌کردم. البته خیلی کم پیش می‌آمد که این وسایل و مواد را برای فروش بگذارند. ولی بالاخره با تلاش زیاد موفق شدم و کم‌کم با خریدن چند دستگاه اره و چند تی‌ان‌تی مشکل را حل کردم. در مراحل بعد، پسری به مزرعه‌ام آمد که می‌توانستم وسایل مورد نیازم را به او بگویم تا سریع برایم پیدایشان کند. او این وسایل را از فروشگاه‌های دیگر پیدا می‌کرد و من هم آن‌ها را می‌خریدم.

مشکل دیگر در بازی، حجم کم انبار بود. برای به‌روز کردن و بزرگ کردن انبار هم به الماس نیاز بود که من در اختیار نداشتم. با توجه به این مشکل، سعی می‌کردم مقدار زیادی از محصولاتم را بفروشم. قفسه‌های فروش محصولاتم هم کم بودند، پس برای محصولاتم قیمت پایینی تعیین می‌کردم تا سریع به فروش برسد. در کاشت محصولات هم خیلی دقت می‌کردم؛ مثلاً وقتی به روزنامه سر می‌زدم، می‌دیدم همیشه گندم برای فروش وجود دارد و قیمت آن هم پایین است. این موضوع به این خاطر بود که گندم خیلی سریع‌تر از محصولات دیگر رشد می‌کرد. من چون انبار کوچکی داشتم سعی می‌کردم گندم به اندازه نیازم بکارم؛ چون خیلی دیر به فروش می‌رسید. بیشتر نیشکر و سویا پرورش می‌دادم که قیمتشان بالاتر بود و زودتر هم به فروش می‌رسیدند. در این بازی تجاریبی برای فروشندهگی کسب کردم. یاد گرفتم که اگر محصولی را با قیمت بالا عرضه کنم، خریدار آن بسیار کم خواهد بود و دیر به فروش می‌رسد؛ در نتیجه سود چندانی نمی‌برم. برای فروش بالا باید محصولاتم را نسبت به سایر فروشندهگان با قیمت پایین‌تری به فروش برسانم. دیگر اینکه یاد گرفتم محصولاتی را عرضه کنم که در بازار کم است و مردم هم بیشتر به آن‌ها نیاز دارند. هر بار مشتریانی وارد محیط مزرعه می‌شدند و تقاضای محصولی داشتند، در ابتدا به آن‌ها چیزی نمی‌فروختم. سعی می‌کردم محصولاتم را برای خودم نگه دارم تا بعدها از آن‌ها برای خریداری محصولات دیگر استفاده کنم و به قیمت بالاتر بفروشم ولی پی بردم که با فروش محصولات به این مشتریان، نه تنها پس‌اندازهایم زیاد می‌شود بلکه امتیازم هم افزایش پیدا می‌کند. در واقع، با رفع نیازهای آن‌ها به میزان مشخص، یک یا دو الماس دریافت می‌کردم. این موضوع توجه مرا به این نکته جلب کرد که فقط نباید به فکر خودم باشم. از آن به بعد برطرف کردن نیازهای آن‌ها برایم اهمیت پیدا کرد؛ طوری که وقتی می‌آمدند و چیزی درخواست می‌کردند که نداشتم، سریع به روزنامه یا فروشگاه‌های دیگر سر می‌زدم و اگر پیدا می‌کردم برای آن‌ها می‌خریدم و به آن‌ها می‌دادم. وقتی نیازهای آن‌ها را برطرف می‌کردم، خوشحال می‌شدم. هر بار که وارد بازی می‌شدم، به سرعت مواد اولیه را بررسی می‌کردم و با توجه به نیازهایی مثل سفارش‌ها و غذای حیوانات، محصولات



**بهترین لحظه‌ها
برای من زمانی
بود که وارد
بازی می‌شدم
و می‌دیدم
محصولات همه
آماده برداشت‌اند.
نان، کره، پنیر،
خامه، شیرینی،
شکر، تخم‌مرغ‌ها،
شیر گاوها و...
آماده است.
سیب‌ها قرمز شده
و آماده چیدن‌اند.
آن زمان بود که
احساس یک
تولیدکننده واقعی
را داشتم. خیلی
دوست داشتم این
محیط را به شکل
واقعی تجربه کنم**

تخم‌مرغ می‌توان نان ذرت درست کرد، با گندم، شکر و تخم‌مرغ می‌توان شیرینی درست کرد و با توت فرنگی، گندم و تخم‌مرغ می‌توان کیک توت فرنگی درست کرد. همچنین، ترکیبات غذای مرغ، گوسفند و گاو را یاد گرفتیم. فهمیدیم که برای درست کردن پنیک، شکر و تخم‌مرغ موردنیاز است و... همه این‌ها مثل یک زنجیر به هم ربط داشتند. اول باید گندم، ذرت، نیشکر و... کاشته می‌شد. با این مواد، غذا برای حیوانات تهیه می‌کردم. حیوانات بعد از خوردن غذا به ما محصولاتی مثل تخم‌مرغ، شیر یا پشم می‌دادند و ما می‌توانستیم با تخم‌مرغ و ذرت، نان ذرت درست کنیم، با پشم، لباس پشمی و با گیاه پنبه، پارچه پنبه‌ای ببافیم و با پارچه پنبه‌ای، پیراهن پنبه‌ای بدوزیم. چیز دیگری که یاد گرفتیم این بود که خام‌فروشی، سود کمی دارد؛ بنابراین، برای کسب سود بیشتر و امتیاز بالاتر سعی می‌کردم کمتر خام‌فروشی کنم. تا حد ممکن، در مزرعه با امکاناتی که داشتم، مواد خام را به محصولات دیگر تبدیل می‌کردم و می‌فروختم؛ مثلاً به جای فروش شیر گاوها، سعی می‌کردم آن‌ها را وارد کارخانه لبنیات‌سازی کنم و از آن‌ها پنیر، کره، خامه و... درست کنم. پشم گوسفندان را نمی‌فروختم بلکه از طریق دستگاه بافندگی با آن‌ها لباس تهیه می‌کردم و بعد لباس‌های پشمی را به فروش می‌رساندم. با این روش بیشتر سود می‌بردم و زودتر موفق می‌شدم.

برنامه آینده من برای مزرعه‌ام این است که با کار و تلاش بیشتر آن را توسعه دهم؛ زمین‌های کشاورزی‌ام را افزایش دهم، درختان بیشتر و متنوع‌تری بکارم، تعداد حیواناتم را افزایش دهم و حیوانات دیگری مثل اسب، سگ، گربه، بز، الاغ، و... را به مزرعه‌ام اضافه کنم. قصد دارم با پرورش زنبور عسل، عسل تولید کنم، دستگاه‌های دیگری مثل بستنی‌ساز، دستگاه استخراج عسل، مریاساز، ماکارونی‌ساز، دستگاه تولید رب گوجه‌فرنگی، ساندویچ‌ساز، آب‌نبات‌ساز، شمع‌ساز، دستگاه تولید آب‌میوه و... خریداری کنم، با سنگ‌های تزئینی، آب‌فشان‌ها، گل‌ها و گیاهان و... مزرعه‌ای زیبا بسازم و در شرایط تحریم، رشد کنم و به یک کشاورز نمونه و کارآفرین تبدیل شوم.

*** پی‌نوشت**

1. Supercell
2. <http://en.wikipedia.org/wiki/Hay-Day>
3. <http://www.farsroid.com/hay-day/>

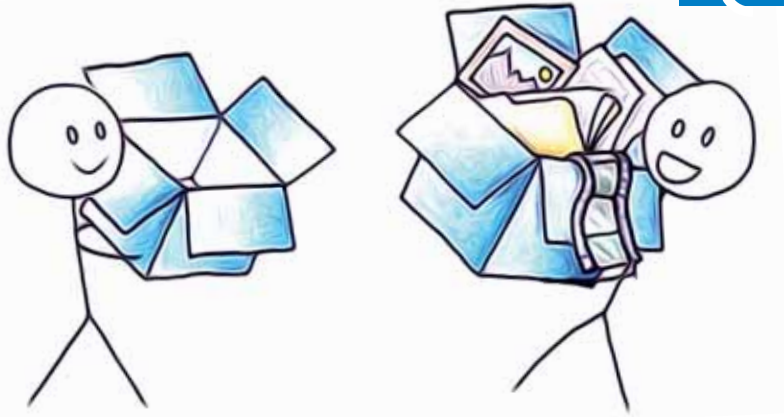
را می‌کاشتم، برداشت می‌کردم، وارد دستگاه می‌کردم، غذای حیوانات را به آن‌ها می‌دادم؛ به برخی سفارش‌ها پاسخ می‌دادم، مقداری از محصولات را برای فروش در قفسه‌های فروشگاه قرار می‌دادم و تا آماده شدن محصولات از بازی خارج می‌شدم و ارتباط برخط (آنلاین) را هم قطع می‌کردم. تمام کارها را مدیریت می‌کردم و باز از بازی خارج می‌شدم. این احساس در من ایجاد شده بود که مدیر یک مزرعه هستم و باید کارم را به خوبی انجام دهم. وقتی دیر به مزرعه سر می‌زدم، احساس می‌کردم حیوانات واقعی گرسنه مانده‌اند یا اینکه ضرر کرده‌ام؛ چون دستگاه‌ها مدتی بیکار مانده‌اند یا زمین‌ها کشت نشده‌اند و...

بهترین لحظه‌ها برای من زمانی بود که وارد بازی می‌شدم و می‌دیدم محصولات همه آماده برداشت‌اند. نان، کره، پنیر، خامه، شیرینی، شکر، تخم‌مرغ‌ها، شیر گاوها و... آماده است. سیب‌ها قرمز شده و آماده چیدن‌اند. آن زمان بود که احساس یک تولیدکننده واقعی را داشتم. خیلی دوست داشتم این محیط را به شکل واقعی تجربه کنم.

در مراحل بعد، دستگاه‌ها و امکانات دیگری به مزرعه اضافه می‌شد. با پس‌اندازهایی که در اختیار داشتم، می‌توانستم در هر مرحله امکاناتی را به مزرعه اضافه کنم. حصارهایی دور درختان یا... ایجاد کردم، دیواری سنگی به دور مزرعه کشیدم و با گل‌ها، گیاهان و سنگ‌های بسیار زیبا، مزرعه را تزئین کردم. برای زیباسازی مزرعه، به مزرعه‌های بزرگ سر می‌زدم و از آن‌ها الگو می‌گرفتم. برخی مزرعه خود را بسیار زیبا تزئین کرده بودند. از نگاه کردن به آن‌ها بسیار لذت می‌بردم و دوست داشتم مزرعه بزرگی شبیه مزرعه آن‌ها داشته باشم. تماشای آن مزرعه‌ها انگیزه مرا برای کار و تلاش بیشتر، افزایش می‌داد.

در ابتدا که امکانات مزرعه‌ام محدود بود، پس‌اندازهایم را برای خرید وسایل ضروری خرج می‌کردم و وسایل تزئینی نمی‌خریدم؛ چون به نظر من بزرگ کردن انبار بسیار واجب‌تر از زیبا کردن مزرعه بود. باید اول انبارم را بزرگ می‌کردم، زمین‌های کشاورزی‌ام را زیاد می‌کردم و... و بعد به سراغ زیباسازی مزرعه می‌رفتم.

در جریان تولید محصولات مختلف چیزهای زیادی یاد گرفتم. یاد گرفتم که با شیر می‌توان کره، خامه، پنیر و... درست کرد، با نیشکر می‌توان شکر سفید، شکر قهوه‌ای و شربت درست کرد، با گندم می‌توان نان معمولی درست کرد، با ذرت و



سال نو، بایگانی جدید

۱۳۳

عبدالحمید پهلوزاده

هنرآموز رایانه، شهر آبدان استان بوشهر

دسته‌بندی شده در فضای هر یک از این دو سایت بارگذاری (آپلود) کنید. این فایل‌ها می‌توانند شامل نمونه سؤال‌ها، کلید سؤال‌ها، نرم‌افزارها، اسلایدها، فایل تجزیه و تحلیل آزمون، فونت‌های فارسی، فیلم‌های آموزشی و سایر محتوای آموزشی باشند.

همیشه فونت‌های پر کاربرد را در آرشیو خود داشته باشید؛ شاید فونتی که با آن سؤال‌هایی را در منزل طراحی کرده‌اید، در رایانه مدرسه موجود نباشد. فیلم‌های آموزشی را همواره در آرشیو خود داشته باشید تا اگر در طول سال تحصیلی در چند مدرسه تدریس دارید، به راحتی بتوانید به آن‌ها دسترسی پیدا کنید. پیشنهاد می‌شود یک نیم‌روز را صرف دسته‌بندی فایل‌های آموزشی موجود در رایانه منزلتان کنید. سپس، آن‌ها را به بایگانی مجازی خود انتقال دهید تا به فایل‌های سال‌های قبل نیز دسترسی داشته باشید.

با قرار دادن نمونه سؤال‌ها و یا پاسخ سؤالات آزمون، می‌توانید نشانی آن‌ها را در وبگاه مدرسه و یا وب‌نوشت (وبلاگ) شخصی خود قرار دهید تا دانش‌آموزان در ایام امتحانات از آن‌ها استفاده کنند. این بایگانی مجازی راه مؤثری برای به اشتراک‌گذاری فایل‌های آموزشی شما در طول سال تحصیلی بین شما و دانش‌آموزانتان خواهد بود.

ممکن است برای شما هم اتفاق افتاده باشد که بخواهید آزمون برگزار کنید ولی فایل سؤال‌ها را همراه خود به مدرسه نبرده باشید و یا بر اثر ویروسی بودن حافظه فلش یا رایانه مدرسه، رایانه شما نیز آلوده شده باشد یا اینکه حافظه فلش را گم کرده باشد. و مشکلاتی از این قبیل...

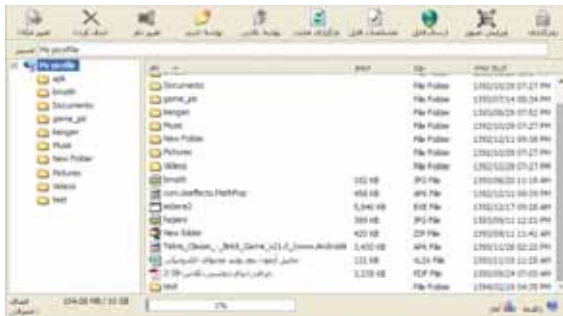
در ادامه، پیشنهادی می‌کنیم که اجرای آن، این مشکلات را به حداقل می‌رساند. پیشنهاد ما ایجاد یک بایگانی (آرشیو) مجازی برای فایل‌های آموزشی خود به صورت دسته‌بندی شده است. کار ساده است؛ شما باید در یکی از سایت‌هایی که فضای رایگان در اختیار شما قرار می‌دهند عضو شوید و فایل‌های خود را به صورت دسته‌بندی شده همیشه در آن فضا قرار دهید تا هم در منزل و هم در مدرسه به آن‌ها دسترسی داشته باشید.

البته باید در انتخاب سایت‌هایی که این نوع خدمت را در اختیار شما قرار می‌دهند دقت کنید. سایت‌هایی را انتخاب کنید که خدمات پایداری به شما ارائه دهند. پیشنهاد نگارنده استفاده از پیکوفایل و دراپ‌باکس است که البته هر کدام مزیت‌هایی دارد.

در ادامه، به نکاتی برای داشتن یک بایگانی خوب خواهیم پرداخت و سپس این دو سایت را بیشتر معرفی خواهیم کرد.

شما می‌توانید همه فایل‌های آموزشی خود را به صورت

PicoFile.com



سایت پیکو فایل

در این سایت ایرانی شما با یک بار عضویت، به ده گیگابایت فضای رایگان دسترسی پیدا می کنید. در این سایت می توانید انواع فایل ها و تصاویر خود را به راحتی مدیریت کنید و حتی برای بارگیری (دانلود) هر کدام رمزی قرار دهید. به این ترتیب، فقط شخص دارنده رمز می تواند آن فایل یا تصویر را بارگیری کند.

این سایت گزارشی از تعداد بارگیری (دانلود) های یک فایل و اولین و آخرین بارگیری در اختیار شما قرار خواهد داد. برای اینکه بتوانید لینک فایل های خود را در اختیار دیگران قرار دهید، لازم است روی آن فایل دابل کلیک کنید تا صفحه بارگیری (دانلود) آن فایل در یک سربرگ جداگانه باز شود. به این ترتیب، نشانی آن صفحه جدید، نشانی بارگیری فایل شما خواهد بود.



سایت و برنامه دراپ باکس:

ساختار خدمت دهی این سایت انگلیسی زبان به این صورت است که بعد از بارگیری (دانلود) یک برنامه و نصب آن روی رایانه خود، پوشه ای در اختیار شما قرار می گیرد که در واقع، بیانگر پوشه ای است که فضای مجازی در اختیار شما قرار داده است. با کپی کردن فایل های خود از رایانه به درون پوشه موردنظر، آن فایل ها به آرشیو مجازی شما در سایت دراپ باکس منتقل خواهند شد و شما به راحتی می توانید فایل ها و پوشه های خود را مدیریت کنید.

مزیت دیگر سایت و برنامه دراپ باکس این است که روی دستگاه های هوشمند (تلفن همراه و تبلت) نصب می شود. به این ترتیب، شما می توانید از طریق دستگاه های هوشمند خود به راحتی به فایل های موجود در بایگانی مجازی تان دسترسی داشته باشید. لینک آن ها را برای دیگران ارسال و یا حتی ایمیل کنید.

در شبکه اجتماعی از قبیل تلگرام که قابلیت اشتراک گذاری فایل را دارند، گروه هایی از دبیران وجود دارند که نمونه سؤال ها یا فایل ها و فیلم های آموزشی خود را با دیگران به اشتراک می گذارند. با توجه به تجربه نگارنده، پیشنهاد می شود در صورت استفاده از همان جا اقدام به انتقال فایل ها و نمونه سؤالات به آرشیو مجازی خود از طریق برنامه دراپ باکس کنید.

لینک بارگیری برنامه دراپ باکس:

<http://cafebazaar.ir/app/com.dropbox.android/?/=fa>



کاش پیشرفت‌ها سریع‌تر بود

گفت‌وگو: سمانه آزاد
عکس: اعظم لاریجانی

گفت‌وگو با دو معلم روشن‌دل

سرعت گرفت. البته فقط در این زمینه از آن استفاده نمی‌کنیم و نرم‌افزارهای زیادی هستند که به ما در نوشتن و خواندن کمک می‌کنند؛ مانند نرم‌افزار وین بریل که یک برنامه صوتی است. نرم‌افزارهای کلمه‌خوان و متن‌خوانی هم هستند که هر چند وقت یک بار به روز می‌شوند. برخی از برنامه‌ها هم هستند که در واقع مانند موتور صوتی عمل می‌کنند و قابلیت نصب روی رایانه را هم دارند. اکنون نرم‌افزارهایی هم در اختیارمان هست که می‌توانند پیامک‌ها را برایمان بخوانند و خوشبختانه زبان فارسی را هم پشتیبانی می‌کنند.

● **در کلاس درس و هنگام تدریس از رایانه و به‌طور کلی فناوری‌های نوین چه استفاده‌ای می‌کنید؟**

● **کارآمد:** ما برای استفاده از این فناوری‌ها ابتدا باید بچه‌ها را آموزش دهیم. بنابراین، در وهله اول به دانش‌آموزان می‌آموزیم که چطور گوش کنند و هنگام شنیدن چه کاری انجام دهند. من در تدریس زبان انگلیسی برای شنیدن متن درس از رایانه استفاده می‌کنم. چون دانش‌آموزان نابینا بیشتر از حس شنوایی خود استفاده می‌کنند، ما هم در تدریس بر این حس تأکید می‌کنیم؛ به‌خصوص در آموزش لهجه درست در زبان انگلیسی. علاوه بر این‌ها از نرم‌افزارهای فرهنگ لغت هم در کلاس استفاده می‌کنیم.

● **علیزاده:** بسیاری از نرم‌افزارها مانند «کسل» و «پاورپوینت» به دلیل اینکه مبتنی بر تصویرند، برای ما قابل استفاده نیستند اما نرم‌افزارهایی برای درس‌ها طراحی شده‌اند که بسیار مفیدند؛ مثلاً در حوزه آموزش جغرافیا، نقشه‌های برجسته‌ای طراحی شده است که با هر ضربه، اطلاعات استان‌های کشور را ارائه می‌کند اما در زمینه ادبیات فارسی متأسفانه نرم‌افزار خاصی به چشم من نخورده است.

اشاره

رویا کارآمد و فریبا علیزاده دو تن از دبیران روشن‌دلی هستند که سال‌هاست در مجتمع نابینایان نرجس تدریس می‌کنند؛ یکی زبان انگلیسی و دیگری زبان فارسی. دلیل ما برای گفت‌وگو با آن‌ها، استفاده از رایانه و فناوری ارتباطات و اطلاعات برای تدریس است. گرچه این معلمان در کلاس‌های هوشمندی که در ذهن داریم تدریس نمی‌کنند اما همه هم و غمشان این است که تا حد امکان دانش‌آموزان خود را با این فناوری‌ها آشنا کنند. به گفته آن‌ها، استفاده از فناوری اطلاعات و ارتباطات تأثیر بسزایی در استقلال آن‌ها داشته است اما با وجود اینکه در عصر حاضر حتی کودکان هم با تکنولوژی بیگانه نیستند، بسیاری از نابینایان به دلیل کمبود امکانات حتی آشنایی اولیه را هم با رایانه ندارند. آیا امیدی هست که این شکاف کمتر شود؟

● **خانم کارآمد، چه مدتی است که از فناوری‌های نوین در کلاس درس استفاده می‌کنید؟**

● **کارآمد:** حدود سال‌های ۷۸-۱۳۷۷ بود که رایانه وارد حوزه آموزش نابینایان شهر تهران شد. البته پیش از تهران، در شهر اصفهان این فناوری مورد استفاده قرار گرفته بود. در ابتدا هم بیشتر برای نوشتن سؤال و جزوه از آن استفاده می‌شد و بعد از آن به تدریج وارد کلاس درس شد.

● **استفاده از این فناوری بیشتر در چه حوزه‌ای است؟**

● **کارآمد:** تا قبل از اینکه رایانه وارد دنیای ما شود، مجبور بودیم سؤالات امتحان را به کمک افراد بینا و با دستگاه‌های مخصوصی به‌صورت تکی چاپ کنیم؛ یعنی اگر ۱۲ دانش‌آموز داشتیم باید ۱۲ نسخه از این سؤال‌ها را چاپ می‌کردیم که خیلی وقت‌گیر بود اما از وقتی توانستیم از رایانه استفاده کنیم، دست‌کم در این زمینه کار ما

کارآمد: مهم‌ترین تأثیر استفاده از این فناوری‌ها خود را در استقلال نابینایان نشان داده است



● فکر می‌کنید مهم‌ترین تأثیر استفاده از فناوری اطلاعات

و ارتباطات چه بوده است؟

🔗 **کارآمد:** این فناوری‌ها تأثیر خود را در استقلال نابینایان نشان داده است. تا پیش از این، ما برای انجام دادن برخی از کارها به کمک افراد دیگر نیاز داشتیم اما اکنون دیگر نیازی نیست. من وقتی قرار است سؤالی طرح کنم، دیگر نیازی به کمک کسی ندارم. حتی پایان‌نامه‌ام را هم با کمک همین نرم‌افزارها تایپ کردم؛ بدون آنکه از کسی کمک بگیرم. به‌نظرم این با ارزش‌ترین تأثیر استفاده از فناوری‌هاست.

🔗 **علیزاده:** همین‌طور است. تا پیش از این مجبور بودم از فرد بینایی بخواهم که سؤالات را بنویسد. اگر خط او برای بچه‌های نیمه‌بینا قابل خواندن نبود باز هم مشکل ایجاد می‌شد. در صورتی که الان بدون نیاز به دیگران کارهایم را انجام می‌دهم که در استقلال من خیلی تأثیر داشته است. این استقلال هم در حوزه تدریس بوده و هم در حوزه انجام دادن امور شخصی.

● در استفاده از فناوری‌های اطلاعات و ارتباطات چه مشکلاتی داشتید؟

🔗 **علیزاده:** نرم‌افزارهای فارسی‌خوان برخی از کلمات فارسی را به‌درستی تلفظ نمی‌کنند یا مثلاً بین جمله خبری و پرسشی تفاوتی قائل نمی‌شوند. به این ترتیب، شنونده باید عاقل باشد! علاوه‌بر این، موزای کاری در تولید نرم‌افزارها دیده می‌شود؛ یعنی به‌جای آنکه شاهد این باشیم که اشکالات نرم‌افزارها و برنامه‌ها به مرور حل شود، می‌بینیم که شرکت‌های دیگر همان نرم‌افزارهای قبلی را با همان مشکلات تولید کرده‌اند. نرم‌افزارهای تلفن همراه هم چنین مشکلاتی دارند.

علاوه بر این، فکر می‌کنم رایانه و در مجموع فناوری‌های نوین می‌تواند در زمینه ریاضی کمک

خوبی برای نابینایان باشد. به خصوص که الان بازی‌های ریاضی خوبی طراحی شده است. اگر رایانه در کلاس باشد، می‌توان از آن در این زمینه استفاده کرد تا هم سرعت عمل بچه‌ها و هم ریاضی آن‌ها تقویت شود.

🔗 **کارآمد:** خیلی سعی شده که این مشکلات برطرف شود اما همچنان شاهد موزای کاری هستیم. برای مثال، یکی از مشکلات نرم‌افزارهای فارسی‌خوان این است که کلمات هم‌نویس را به یک شکل می‌خواند. مثلاً کلمات مُرد و مُرد یا کَرَم و کِرَم، نُه و نُه را به یک شکلی می‌خواند و تفاوتی میان آن‌ها قائل نیست. درباره ریاضی، اصولاً ابزارهای یادگیری ریاضی برای نابینایان کمتر فراهم بوده است. به همین دلیل، شاید حدود ۹۰ درصد بچه‌ها به ریاضی علاقه‌ای ندارند و تنها برای رفع تکلیف آن را می‌خوانند. در حالی که ریاضی خود دنیای دیگری است.

● استفاده از اینترنت چقدر به شما کمک کرده است؟

🔗 **علیزاده:** اینترنت هم کمک زیادی کرده است اما فایل‌هایی

که می‌توانند به ما کمک کنند عمدتاً پی‌دی‌اف هستند و برنامه‌ها و نرم‌افزارهای ما این فرمت را پشتیبانی نمی‌کنند.

🔗 **کارآمد:** البته خوشبختانه کتاب‌های آموزشی به شکل کتاب الکترونیک (E-Book) برای ما وجود دارند که می‌توانیم از آن‌ها استفاده کنیم اما متأسفانه به‌دلیل اینکه در کلاس‌ها رایانه وجود ندارد نمی‌توانیم از مزایای کلاس هوشمند بهره ببریم؛ مگر اینکه از سایت مدرسه استفاده کنیم که آن هم مشکلات خود را دارد.

● فکر می‌کنید اگر در یک کلاس هوشمند تدریس

کنید، کلاس شما چه تغییری خواهد داشت؟

🔗 **کارآمد:** قطعاً پویاتر خواهد بود و از حالت معلم‌محوری و خمودگی بیرون می‌آید. وقتی بچه‌ها از رایانه و دیگر فناوری‌ها استفاده می‌کنند، انگیزه بیشتری دارند اما متأسفانه بسیاری از دانش‌آموزان ما وقتی دیپلم می‌گیرند، حتی آشنایی اولیه را هم با رایانه ندارند؛ چون در کلاس از آن استفاده نشده است.

🔗 **علیزاده:** در مدارس عادی وقتی درباره مفهوم یا موضوعی در کلاس بحث می‌شود، معلم و دانش‌آموزان از فرهنگ‌نامه یا کتاب‌های دیگر استفاده می‌کنند. در کلاس‌های هوشمند می‌توانند از اینترنت استفاده کنند اما ما که سر و کارمان با بچه‌های نابیناست، فقط می‌توانیم از تعداد محدودی برنامه و نرم‌افزار استفاده کنیم که تجربه نشان داده است در این صورت یادگیری بهتر صورت می‌گیرد. در این حالت، بچه‌ها می‌توانند خودشان جست‌وجو کنند. وقتی خودشان دنبال جواب باشند، یاد می‌گیرند که چطور جواب سؤال‌هایشان را پیدا کنند و دیگر منتظر جواب نمی‌مانند.

علیزاده: فکر می‌کنم رایانه و در مجموع فناوری‌های نوین، می‌تواند در زمینه ریاضی کمک خوبی برای نابینایان باشد. به خصوص که الان بازی‌های ریاضی خوبی طراحی شده است

● جای چه چیزی را در حوزه فناوری‌های نوین ارتباطی برای نابینایان خالی می‌بینید؟

🔗 **کارآمد:** امیدوارم از کارهای موزای کاسته شود و اشکالات برطرف گردد. الان سال‌های سال است که نرم‌افزارهای خوبی در زمینه زبان‌های انگلیسی، آلمانی، فرانسوی و... طراحی شده است. نرم‌افزارهایی که وقتی از طریق آن‌ها به یک متن به زبان انگلیسی گوش می‌کنید، متوجه می‌شوید که همه چیز مشخص است. معلوم است کجای جمله تأکید دارد، کجا تعجب‌برانگیز است، کجا پرسش می‌شود و... اما در زبان فارسی این‌طور نیست و همه جملات با یک آهنگ خوانده می‌شوند.

امیدوارم مسئولان و سازندگان این نرم‌افزارها به این نکته‌ها توجه داشته باشند. ما از گذشته تاکنون خیلی پیشرفت داشته‌ایم اما همیشه آرزو می‌کنم که این پیشرفت‌ها سریع‌تر باشد؛ چون حس می‌کنم نباید میان ما و افراد بینا تا این حد شکاف باشد.



یادگیری‌های اکتشافی سپهر

۶۱۱

احسان مظلومی

می‌بینیم، فهرستی از فیلم‌های مشابه آن را نیز در کنارش به ما نشان می‌دهد. من یکی از آن‌ها را کلیک کردم و سپهر چند بار آن ویدیو را دید. سپس خودش همین کار را تکرار و شروع به دیدن ویدیوهای مشابه کرد. آن روز ۳ ساعتی مشغول دیدن موزیک‌های آموزش الفبا بود.

نکته: در ایران نمی‌توان از این سایت استفاده کرد ولی سایت ایرانی آپارات (www.aparat.com) هم تعداد زیادی از ویدیوهای مختلف دارد که می‌تواند تا حدی جایگزین یوتیوب شود. همچنین با جست‌وجو می‌توانید ویدیوهای آموزشی دیگری هم در سایت‌های ایرانی و غیر ایرانی بیابید.

من سعی می‌کردم در انتخاب‌هایش دخالت چندانی نکنم ولی به‌طور غیرمستقیم مراقب بودم که روی فیلم‌های نامربوط کلیک نکنند. به محض اینکه متوجه می‌شدم فیلم مناسبی را انتخاب نکرده است، به سراغش می‌رفتم و به‌طور غیرمستقیم به بهانه‌ای فیلم را عوض می‌کردم. گاهی هم مجبور می‌شدم بگویم «این فیلم را نباید ببینی. مناسب سن تو نیست.» البته YouTube تا حدودی فیلم‌های نامناسب را حذف می‌کند ولی آپارات این مزیت را دارد که این‌گونه فیلم‌ها را به‌طور کامل حذف می‌کند و از این جهت، خیالمان راحت‌تر است. این روند مدت‌ها ادامه داشت و سپهر روزی حدود ۳ ساعت فیلم به زبان انگلیسی می‌دید. در این مدت، او با دیدن این فیلم‌ها و سپس کارتون‌های انگلیسی زبان، زبان انگلیسی را تقریباً به‌طور کامل فرا گرفت. به‌طوری که پس از چند ماه که وارد مهد کودک شد، هیچ مشکلی برای صحبت کردن و برقراری ارتباط با دیگران نداشت.

الفبای انگلیسی

پسر من سپهر ۷ سال دارد. او آموختن زبان انگلیسی را در ۲ سالگی، وقتی هنوز در ایران بودیم، شروع کرد. دی‌وی‌دی‌های آموزشی بی‌بی اینشتین (Baby Einstein) را از اینترنت پیدا کردم و از آن‌ها خیلی خوشم آمد. برای همین، مجموعه کاملش را پیدا کردم و برایش خریدم. با دیدن اولین فیلم مجموعه، چنان جذب آن شد که تا چند ساعت اجازه نمی‌داد ما از تلویزیون استفاده کنیم. مدام آن‌ها را می‌دید و باز از اول شروع می‌کرد. (شما می‌توانید تعدادی از فیلم‌های این مجموعه را در سایت آپارات پیدا کنید.) او همه DVD ها را چندین و چند بار با علاقه زیاد می‌دید. این کار چند ماه ادامه داشت. من هم که می‌دیدم او خیلی به این مجموعه علاقه‌مند است، مجموعه‌های مشابه دیگری پیدا کردم و برایش خریدم یا دانلود (بارگیری) کردم.

در این اثنا فرصتی برای تحصیل در خارج از کشور فراهم شد. در آن زمان، او هنوز برای رفتن به مهد کودک کوچک بود. پس من شروع کردم به جست‌وجو در اینترنت برای یافتن سایت‌های آموزشی. در حین جست‌وجوهایم به ویدیوهای آموزش الفبای انگلیسی در سایت یوتیوب (You Tube) برخورددم. این ویدیوها بسیار زیاد بودند و از نظر کیفیت ساخت هم بسیار متنوع. یکی از آن‌ها را که الفبای انگلیسی را با یک موزیک شاد و انیمیشن رنگارنگ آموزش می‌داد، انتخاب و برای سپهر پخش کردم و منتظر عکس‌العمل او ماندم. خوشبختانه جذب شد و بارها آن را دید. یکی از ویژگی‌های یوتیوب این است که وقتی فیلمی را در این سایت

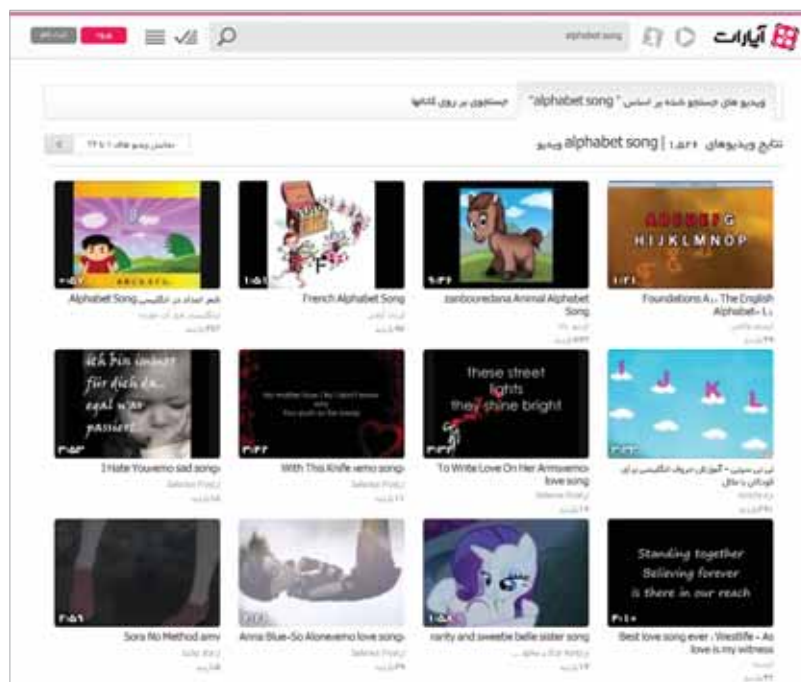


دیدی وی دی‌های آموزشی Baby Einstein

این مجموعه آموزشی را که حاوی بیش از ۲۰ دیدی وی فیلم است، شرکت بی بی اینشتین تحت نظارت والت دیسنی تهیه کرده است. هر DVD به آموزش یک موضوع به کودک می‌پردازد. این DVDها برای سنین مختلف کودکی و موضوعات مختلف آموزشی تهیه شده‌اند. در ایران این مجموعه به راحتی در دسترس است و می‌توانید آن را خریداری کنید.

فیلم‌های آموزش الفبا در سایت آپارات

در سایت آپارات به نشانی www.aparat.com می‌توانید با جست‌وجوی فارسی یا انگلیسی فیلم‌های آموزشی الفبای انگلیسی را پیدا کنید و برای کودکان پخش کنید. روش کار آپارات به این شکل است که فیلم‌های مرتبط را در کنار فیلم کنونی نمایش می‌دهد و با کلیک روی آن‌ها می‌توان فیلم دیگری را دید. فقط لازم است دوردور مواظب کودک باشید تا از مسیر فیلم‌های آموزشی منحرف نشود.



روابط نسل‌ها

نرگس معینی

به گزارش برخی خبرگزاری‌های خارجی از هر ده مادر بزرگ انگلیسی، نه نفر می‌گویند نوه‌هایشان دیگر برای سؤال کردن به آن‌ها رجوع نمی‌کنند؛ زیرا می‌توانند به راحتی جواب خود را به کمک گوگل و ویکی‌پدیا پیدا کنند.

ظهور فناوری بر جنبه‌های مختلف زندگی ما تأثیر گذاشته است. نوع ارتباطات نیز از حوزه این تأثیرات خارج نیست. افرادی که با جریان پیشرفت‌های فناوری پیش نروند، ممکن است در ارتباط با دیگران با مشکلاتی برخورد کنند. نسل قبل نیز گاهی از این مشکلات ابراز نارضایتی می‌کنند. از نظر بسیاری از آن‌ها، فناوری باعث کم‌رنگ شدن روابط و دور شدن افراد از یکدیگر شده است. مادر بزرگ‌هایی که دلخوری خود را از نوه‌هایی که در جمع سرشان را روی تلفن همراهشان خم کرده‌اند و گاه‌گاهی برای خودشان می‌خندند، ابراز می‌کنند و پدر بزرگ‌هایی که احساس می‌کنند کنار گذاشته شده‌اند، ابزارهای ارتباطی جدید را رقیبی برای خود در تعامل‌های خانوادگی می‌دانند. در این میان، می‌توان از این پیشرفت‌ها در جهت تحکیم روابط نسل‌های مختلف خانواده استفاده کرد. کافی است گوشی هوشمندی با تنظیمات اینترنت برای مادر بزرگ یا پدر بزرگتان تهیه و آن‌ها را با این فعالیت‌ها آشنا کنید:

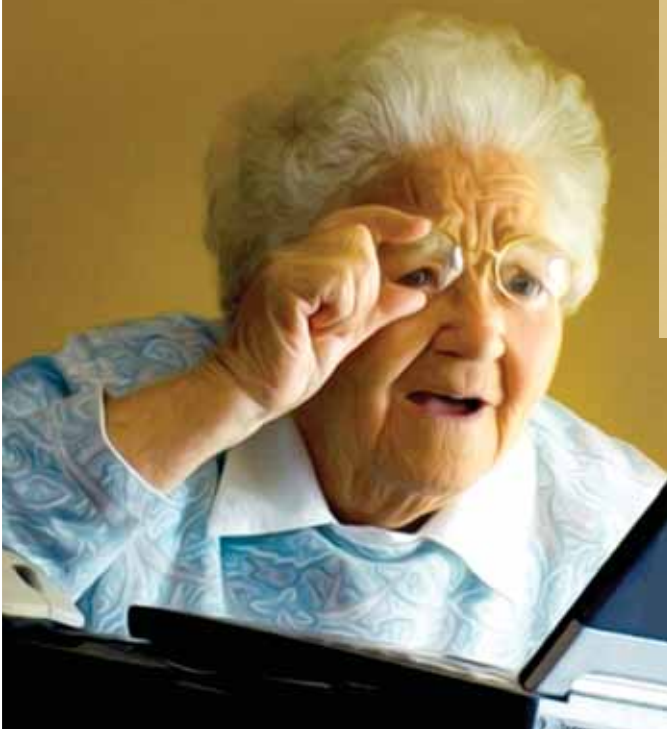
۱ ارتباط متنی: شایع‌ترین نوع ارتباط، فرستادن پیام‌های متنی (پیامک) برای یکدیگر است. آن‌ها را با برنامه‌های مختلفی که برای این کار نوشته شده است، آشنا کنید. بعضی از این برنامه‌ها قابلیت ایجاد گروه‌های مختلف را دارند. می‌توانید برای خانواده خود یک گروه درست کنید.

۲ به اشتراک گذاری فیلم و عکس: برای این منظور هم برنامه‌های مختلفی وجود دارد. طرز کار دوربین را به آن‌ها یاد دهید و... خودشان دست به کار خواهند شد.

۳ بازی‌های برخط (آنلاین): کافی است عبارت «بازی‌های آنلاین گروهی» را جست‌وجو کنید تا با تعداد زیادی بازی مناسب برای دوره‌های مجازی خانوادگی آشنا شوید؛ از منج گرفته تا مافیا. حتی می‌توانید در سایت www.esmfamil.com گروه اختصاصی اسم فامیل خانواده‌تان را بسازید.

۴ کتابچه خانوادگی: یک شب در هفته را به درست کردن گنجینه‌ای از عکس‌ها و خاطرات و اسناد خانوادگی اختصاص دهید. از افراد متعلق به نسل‌های قبلی بخواهید خاطرات خود را از یک شخص یا یک اتفاق تعریف کنند و هر چه عکس مرتبط دارند برایتان بفرستند. بعد از مدتی می‌توانید کتابچه‌ای از تاریخچه خانواده خود تهیه کنید. این کار در عین سرگرم‌کننده بودن، باعث نزدیک شدن اعضای خانواده به هم و تحکیم هویت خانوادگی شما خواهد شد.

۵ تولید داستان صوتی: به مادر بزرگ/ پدر بزرگتان یاد بدهید صدای خود را ضبط کنند و آن‌ها را با شیوه‌های به اشتراک گذاری فایل‌های صوتی نیز آشنا کنید. می‌توانید از آن‌ها بخواهید بعضی شب‌ها برای نوه‌های فامیل داستانی با صدای خودشان بفرستند. اگر در فعالیت قبلی خاطراتشان را با صدای خود ضبط کرده و برای شما فرستاده باشند، می‌توانید از ترکیب این خاطرات کتابی صوتی درست کنید. در صورت آشنا شدن پدر بزرگ‌ها و مادر بزرگ‌ها با فناوری‌های مدرن، باید نگران این باشید که در مهمانی‌های دوره‌های چگونه آن‌ها را درگیر گفت‌وگو با جمع کنید. چرا که عکس گرفتن از نوه‌ها و بازی‌هایی که روی تبلت آن‌ها نصب است، شاید مانع توجه آن‌ها به جمع شود!



تابستان خود را چگونه گذرانید؟

شیبا ملک

روز کلاس که فرا می‌رسد، معلم به همراه وسایل آزمایش (به تعداد همکاران برگه‌های کاربرگ) و نرم‌افزارهای مورد نیاز، شجاعانه خود را در معرض نقد دوستان قرار می‌دهد. کلاس کاملاً آزاد است. معلم که شروع به درس دادن می‌کند، نقدها و نظرات شروع می‌شود

یک بار برگزار می‌شود و ۳ تا ۴ ساعت طول می‌کشد. در این سال‌ها که ماه مبارک رمضان در تابستان است، جلسات ما تقریباً طور مرتب برگزار شده و هر گاه که مدارس تعطیل بوده است، این کار را در خانه‌هایمان ادامه داده‌ایم.

روش کار در این جلسات به ترتیب زیر است: ابتدا معلم جلساتی را با دوستانی که آن می‌حث یا کتاب را آموزش داده‌اند، ترتیب می‌دهد و یک طرح درس مشورتی می‌نویسد.

گاهی او طرح درس آماده شده را برای سایر دوستان که قرار است در کلاس شرکت کنند، ایمیل می‌کند، که جلسه نقد و بررسی پربارتر باشد.

روز کلاس که فرا می‌رسد، معلم به همراه وسایل آزمایش (به تعداد همکاران برگه‌های کاربرگ) و نرم‌افزارهای مورد نیاز، شجاعانه خود را در معرض نقد دوستان قرار می‌دهد. کلاس کاملاً آزاد است. معلم که شروع به درس دادن می‌کند، نقدها و نظرات شروع می‌شود:

«این مطلب را این‌گونه بگویید بهتر است»...

«این آزمایش را ابتدای کار بیاورید»... «من فیلم

در بسیاری از مدارس رسم بر این است که معلم تازه‌کار و یا جدید را به روش ساده‌ای محک می‌زنند. روشی که کارآمدی آن محل مناقشه است اما، به قول مدیران مدارس، بودنش بهتر از نبودنش است!

شرح آن را حتماً شنیده‌اید؛ به معلم می‌گویند یک طرح درس بیاور و برای ما اجرا کن. بعد هم یک یا دو معلم که خود در آن رشته تدریس دارند و معاون مدرسه و یکی دو نفر دیگر می‌شوند شاگردان کلاس، که در خلاقانه‌ترین حالت، کمی شیطننت می‌کنند و معلم تازه‌کار را به چالش می‌کشند. به این ترتیب، در زمان کوتاهی معلوم می‌شود معلم جدید «چند مرده حلاج است»!

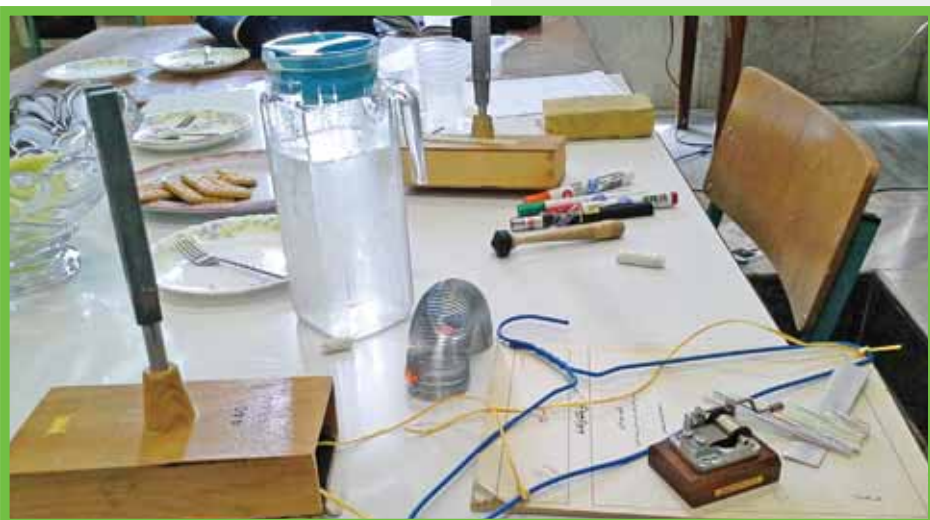
ما هم از آنجا که خلاق تر از دیگران نیستیم و راهکار آسمانی هم به ذهنمان نمی‌رسد، سال‌هاست این روش کم اعتبار و دم‌دستی را در تربیت خودمان، یعنی تربیت دبیر فیزیک، به کار گرفته‌ایم!

البته ما دبیرهای فیزیک هم مثل بقیه معلم‌ها، اگر سر کلاس ضمن خدمت چرت نزنیم، سر کلاس همکارانمان حتماً خواب به سراغمان می‌آید؛ خصوصاً وقتی موضوع تدریس می‌حثی باشد که بارها آن را درس داده‌ایم. حال اینکه چگونه از دل این شیوه معمولی می‌توانستیم چند سال جلساتی پرهیجان و چالشی، آن هم در گرمای تابستان، ترتیب دهیم، ماجرابی دارد که شرح آن را در گزارشی که پیش رو دارید، می‌خوانید.

حدوداً هفت‌سال است که هر تابستان جلسه آموزش فیزیک به همدیگر را برگزار می‌کنیم. مدعویین جلسه دبیران فیزیک از مناطق مختلف تهران هستند.

محل جلسه متغیر است؛ از مدارس نزدیک منزل هر گروه از همکاران گرفته تا منزل دبیران. گاه در یک تابستان در سه محل کلاس برگزار می‌شود، تا همه امکان شرکت داشته باشند. جلسه هفته‌ای

روی میز معلم همه چیز هست از دوربختی‌های خانه برای آزمایش تا بساط پذیرایی



←
میز شلوغ
معلم و تلفن
همراهی که
در حال ضبط
کلاس برای
ارسال به سایر
دوستان است



**معمولاً بعد از
چند جلسه،
مهمانانی به جمع
ما اضافه می‌شوند:
از دبیر ریاضی
مدرسه گرفته
تا دبیر دینی و
گاهی می‌بینیم
که دانش‌آموزان
سابقمان - که الان
دانشجوی فیزیک
هستند - هم در
کلاس حاضرند**

بهتری دارم، خواهم آورد.» و...
معلم شجاع! هم‌زمان، هم تمام توصیه‌ها و
پیشنهادهای دوستان را یادداشت می‌کند و هم
درس می‌دهد. او باید کلاس را آرام کند و ضمن
آن بحث را هدایت نماید. و البته مدیریت زمان را
هم باید داشته باشد! در میانه بحث‌های علمی،
حرف‌هایی از جنس معلمی و کلاس‌داری مطرح
می‌شود. مثلاً: «اگر کلاسمان همین‌طور شلوغ
شد، چگونه بحث را مدیریت کنیم؟» همه نظر
می‌دهند...
«اگر جلو بچه‌ها چنین توضیح نادرستی دادیم،
چگونه درستش کنیم؟» دوستان از تجربه‌های
زیسته می‌گویند...
«اگر نرم‌افزار کار نکرد؟ اگر آزمایش جواب نداد؟

←
خروجی
ارتباط مجازی
معلمان در
طول سال
تحصیلی
تکلیف عیدی
مشترک برای
سال جهانی
نور بود



اگر پروژکتور خراب شد؟»

شکر خدا! همه همکاران تجربه‌های مشابهی
دارند و هر کس هنگام رویارویی با یک مشکل،
می‌فهمد اولین نفری نیست که با چنان مشکلی
مواجه شده است.

موفق‌ترین معلمان در این جمع کسانی هستند
که خیلی راحت مسائل را با جمع در میان
می‌گذارند: «من واقعاً نمی‌دانم این بحث را چگونه
پیش ببرم؟» «برای آن‌ها آزمایشی به ذهنم
نمی‌رسد...» «من خودم هم جواب این سؤال یا
مسئله را نمی‌دانم...»

خلاصه معلم داستان ما هر چه بیشتر دست
یاری به سوی همکاران دراز کند، دست‌پرتر
باز خواهد گشت.

در پایان هر جلسه، نکات مهم جمع‌بندی شده
و فیلم‌ها و نرم‌افزارها به همکاران علاقه‌مند داده
می‌شود. ضمن آنکه برگه‌های تمرین و تکلیف هم
توسط جمع ویرایش می‌گردد. برخی از معلمان
پیگیر در جمع ما، در طول هفته با پیام در
گروه‌های مجازی فیزیک یا ایمیل با سایرین در
ارتباطند تا اصلاحات نهایی روی طرح درشان
صورت گیرد.

معمولاً بعد از چند جلسه، مهمانانی به جمع
ما اضافه می‌شوند؛ از دبیر ریاضی مدرسه گرفته
تا دبیر دینی و گاهی می‌بینیم که دانش‌آموزان
سابقمان - که الان دانشجوی فیزیک هستند -
هم در کلاس حاضرند. معمولاً حضور دبیر ریاضی
را در جمع مغتنم می‌شماریم و گاه از دانش‌پایه
ریاضی دانش‌آموزان، در ارتباط با بحثی که در
جریان است، سؤال می‌کنیم.

این هم‌افزایی و تجربه معلمی مشترک به
ارتباط بیشتر ما در طول سال تحصیلی هم کمک
می‌کند. در طول سال برای خودمان اردوی علمی
تفریحی ترتیب می‌دهیم؛ مثلاً به موزه می‌رویم
و یا مسابقات مشترکی ترتیب می‌دهیم، طرح
درس‌هایمان را برای هم می‌فرستیم، و ایده‌های
خوبی را که به نظرمان می‌رسد با هم به اشتراک
می‌گذاریم.

در نهایت، دوستی‌ای که در طول تابستان و در
فضای حقیقی شکل گرفته است، در طول سال
به صورت مجازی ادامه می‌یابد؛ به طوری که هر
سال همه در انتظار برنامه‌های هم‌آموزی فیزیکی
در تابستان آینده هستیم.



با مجله‌های رشد آشنا شوید

مجله‌های دانش‌آموزی

به صورت ماهانه و به شماره در سال تحصیلی منتشر می‌شود.

رشد کورک برای دانش‌آموزان پیش‌دبستانی و پایه اول دوره آموزش ابتدایی

رشد نوجوان برای دانش‌آموزان پایه‌های دوم و سوم دوره آموزش ابتدایی

رشد دانش‌آموز برای دانش‌آموزان پایه‌های چهارم، پنجم و ششم دوره آموزش ابتدایی

مجله‌های دانش‌آموزی

به صورت ماهانه و هشت شماره در سال تحصیلی منتشر می‌شود.

رشد نوجوان برای دانش‌آموزان دوره آموزش متوسطه اول

رشد جوان برای دانش‌آموزان دوره آموزش متوسطه اول

رشد جوان برای دانش‌آموزان دوره آموزش متوسطه دوم

رشد جوان برای دانش‌آموزان دوره آموزش متوسطه دوم

مجله‌های بزرگسال عمومی

به صورت ماهانه و هشت شماره در سال تحصیلی منتشر می‌شود.

• رشد آموزش ابتدایی • رشد تکنولوژی آموزشی

• رشد مدرسه فردا • رشد معلم

مجله‌های بزرگسال تخصصی:

به صورت فصل‌نامه و سه شماره در سال تحصیلی منتشر می‌شود.

- رشد آموزش قرآن و معارف اسلامی • رشد آموزش زبان و ادب فارسی
- رشد آموزش هنر • رشد آموزش مشاور مدرسه • رشد آموزش تربیت بدنی
- رشد آموزش علوم اجتماعی • رشد آموزش تاریخ • رشد آموزش جغرافیا
- رشد آموزش زبان‌های خارجی • رشد آموزش ریاضی • رشد آموزش فیزیک
- رشد آموزش شیمی • رشد آموزش زیست‌شناسی • رشد مدیریت مدرسه
- رشد آموزش فنی و حرفه‌ای و کار دانش • رشد آموزش پیش دبستانی

مجله‌های رشد عمومی و تخصصی، برای معلمان، مدیران، مربیان، مشاوران و کارکنان اجرایی مدارس، دانش‌جویان دانشگاه فرهنگیان و کارشناسان گروه‌های آموزشی و... تهیه و منتشر می‌شود.

• نشانی: تهران، خیابان ایرانشهر شمالی، ساختمان شماره ۴ آموزش و پرورش، پلاک ۲۶۶.

• تلفن و نمابر: ۰۲۱ - ۸۸۲۰۱۲۷۸

• وبگاه: www.roshdmag.ir



← اردوی
تفریحی
علمی
معلمان
فیزیک





در کلاس با تجربه‌ها

علیرضا منسوب بصیری

خیلی از ما معلم‌ها صبح برای اینکه به مدرسه برسیم، بیش از نیم ساعت از وقتمان در وسایل حمل و نقل عمومی سپری می‌شود. تصور کنید می‌خواهید درس علوم را همان‌طور که کتاب‌های درسی تازه تألیف به‌صورت زمینه‌محور و موضوعی بیان کرده‌اند، در کلاس تدریس کنید و ایده خاصی برای شروع کلاس و پیش بردن درس نداشته باشید.

فکر کنید فرصتی هم برای جست‌وجو و یافتن پیشنهادات ندارید.

کشور استرالیا برای کمک به معلمان خود در این‌گونه موارد فکر بکری کرده است. در سایت <http://aitsl.edu.au> بخشی به نام illustration of practice وجود دارد که به معنای به نمایش گذاشتن اقدام یا کنش‌نمایی است. در بخش کنش‌نمایی این سایت، شما با ویدئوهای کوتاهی از نمونه‌های خوب و حرفه‌ای مهارت‌های تدریس و سایر مهارت‌هایی که مورد نیاز معلمان است مواجه می‌شوید. فیلم‌هایی که تماشای هر کدام از آن‌ها به شما ایده‌های خوبی می‌دهد. با مشاهده فیلم‌های سایت AITSL در تجربه‌های معلمان با تجربه شریک خواهید شد.



دولت و ملت، همدلی و هم‌زبانی

رشد برای رشد

نحوه اشتراک:

پس از واریز مبلغ اشتراک به شماره حساب ۳۹۶۶۲۰۰۰ بانک تجارت، شعبه سه‌راه آزمایش کد ۳۹۵ در وجه شرکت افست، به دو روش زیر، مشترک مجله شوید:

۱. مراجعه به وبگاه مجلات رشد به نشانی: www.rushdmag.ir و تکمیل برگه اشتراک به همراه ثبت مشخصات فیش واریزی؛
۲. ارسال اصل فیش بانکی به همراه برگ تکمیل شده اشتراک با پست سفارشی یا از طریق دورنگار به شماره ۰۷۷۳۳۳۳۱۹۲. لطفاً کپی فیش را نزد خود نگه دارید.

عنوان مجلات در خواستی:

نام و نام خانوادگی:

تاریخ تولد: میزان تحصیلات:

تلفن:

نشانی کامل پستی:

استان: شهرستان:

خیابان:

پلاک: شماره پستی:

شماره فیش بانکی:

مبلغ پرداختی:

اگر قبلاً مشترک مجله رشد بوده‌اید، شماره اشتراک خود را بنویسید:

امضا:

نشانی: تهران، صندوق پستی امور مشترکین: ۱۶۵۹۵/۱۱۱

تلفن امور مشترکین: ۱۴-۷۷۳۳۹۷۱۳ و ۷۷۳۳۵۱۱۰ و ۷۷۳۳۶۶۵۶-۲۱

هزینه اشتراک سالانه مجلات عمومی رشد (هشت شماره): ۳۵۰/۰۰۰ ریال

هزینه اشتراک سالانه مجلات تخصصی رشد (سه شماره): ۲۰۰/۰۰۰ ریال

